



IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Hanannah

مترجم:

Hell

کلینر:

Hell

تایپیست:





همسرم...  
داره گریه می کنه





درست مثل...







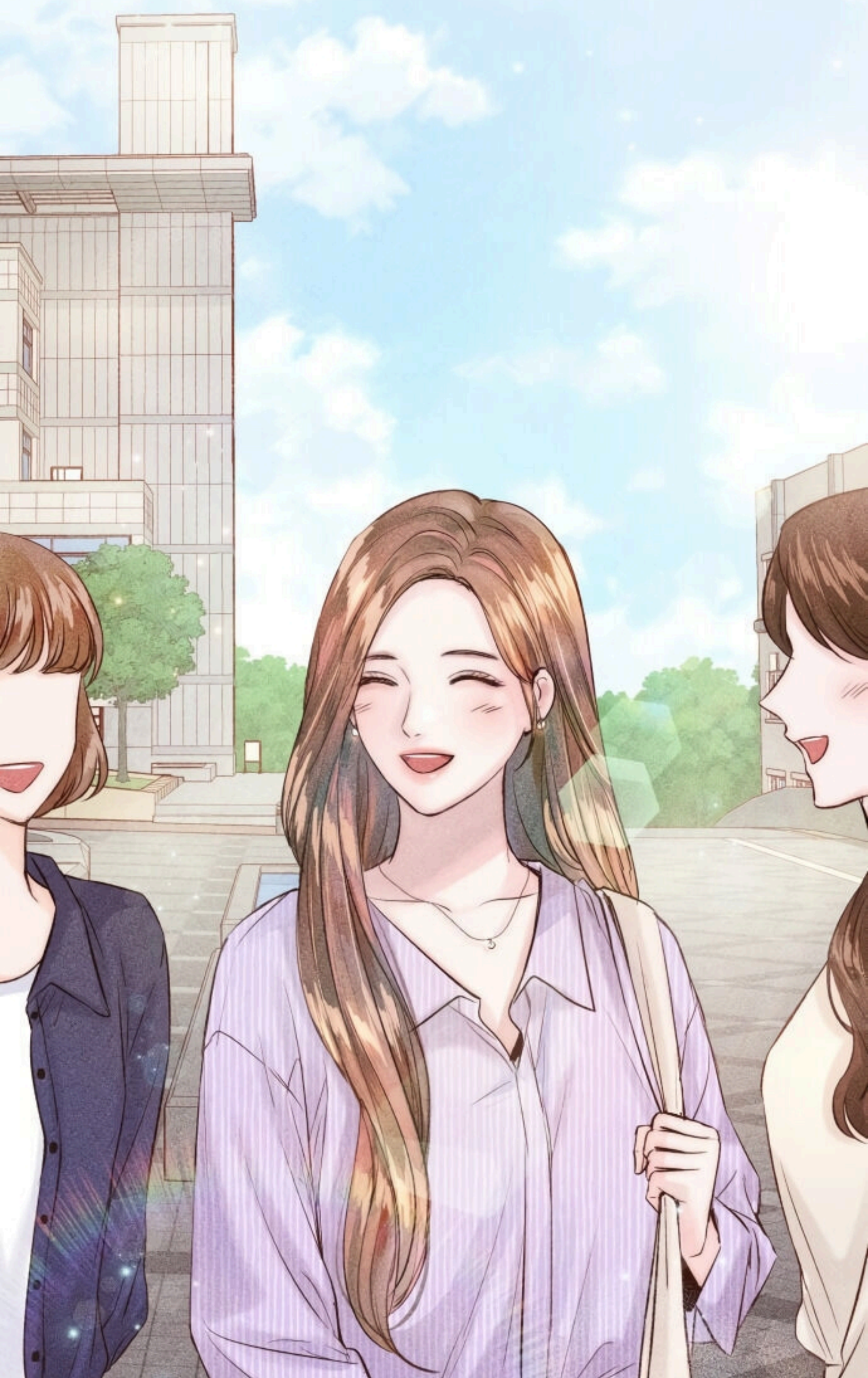
# Surely A Happy Ending

Novel Bool-Sa | Illustrator Jae-Rim  
Writer Peul-Ah-Da

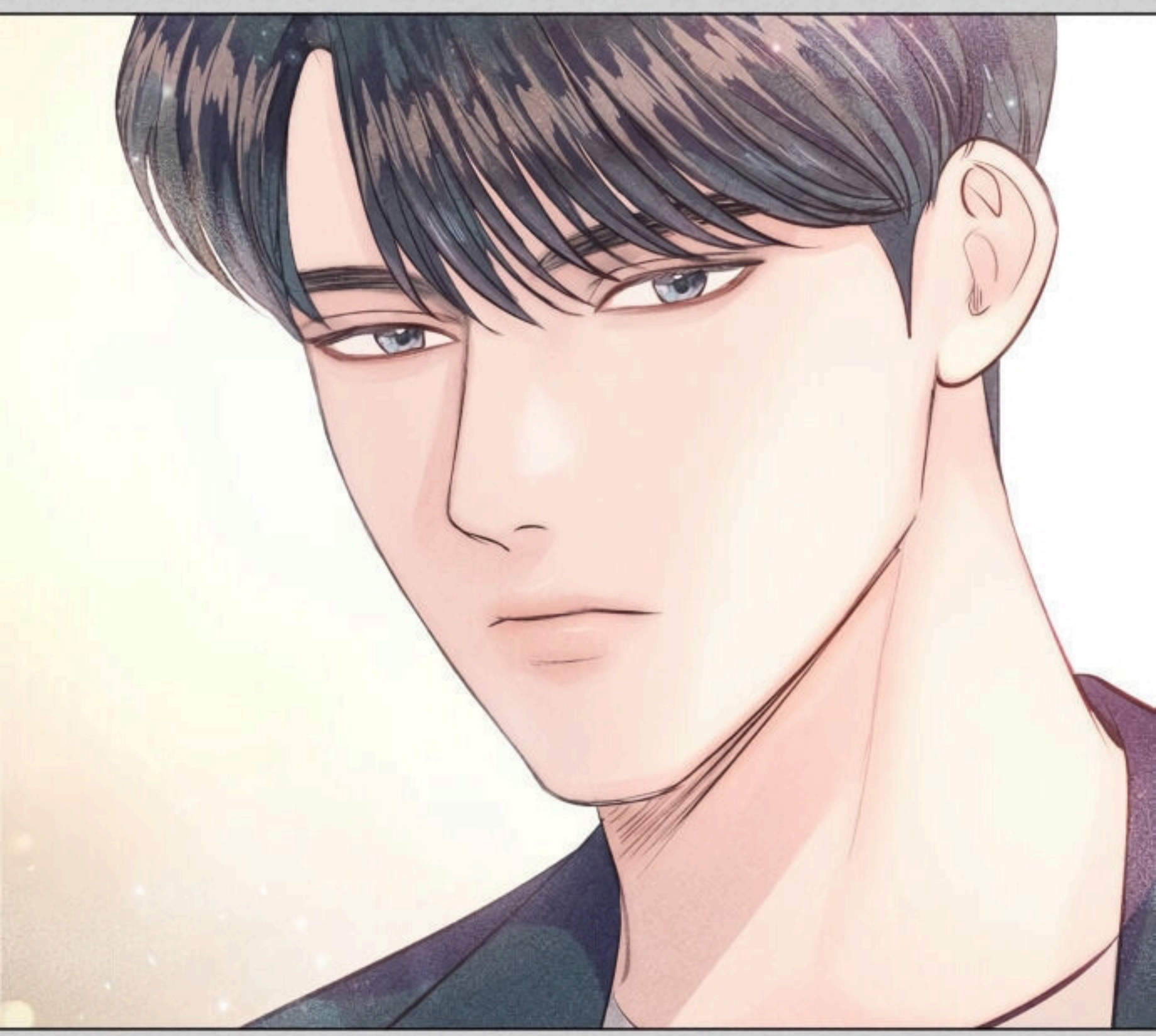




اولین باری که دیدمش ۵ سال پیش بود







و ۳ سال بعد،  
دوباره ملاقاتش کردم

ازش خواستم که  
باهام ازدواج کنه...







چون فکر می‌کرد  
به کمک نیاز داره

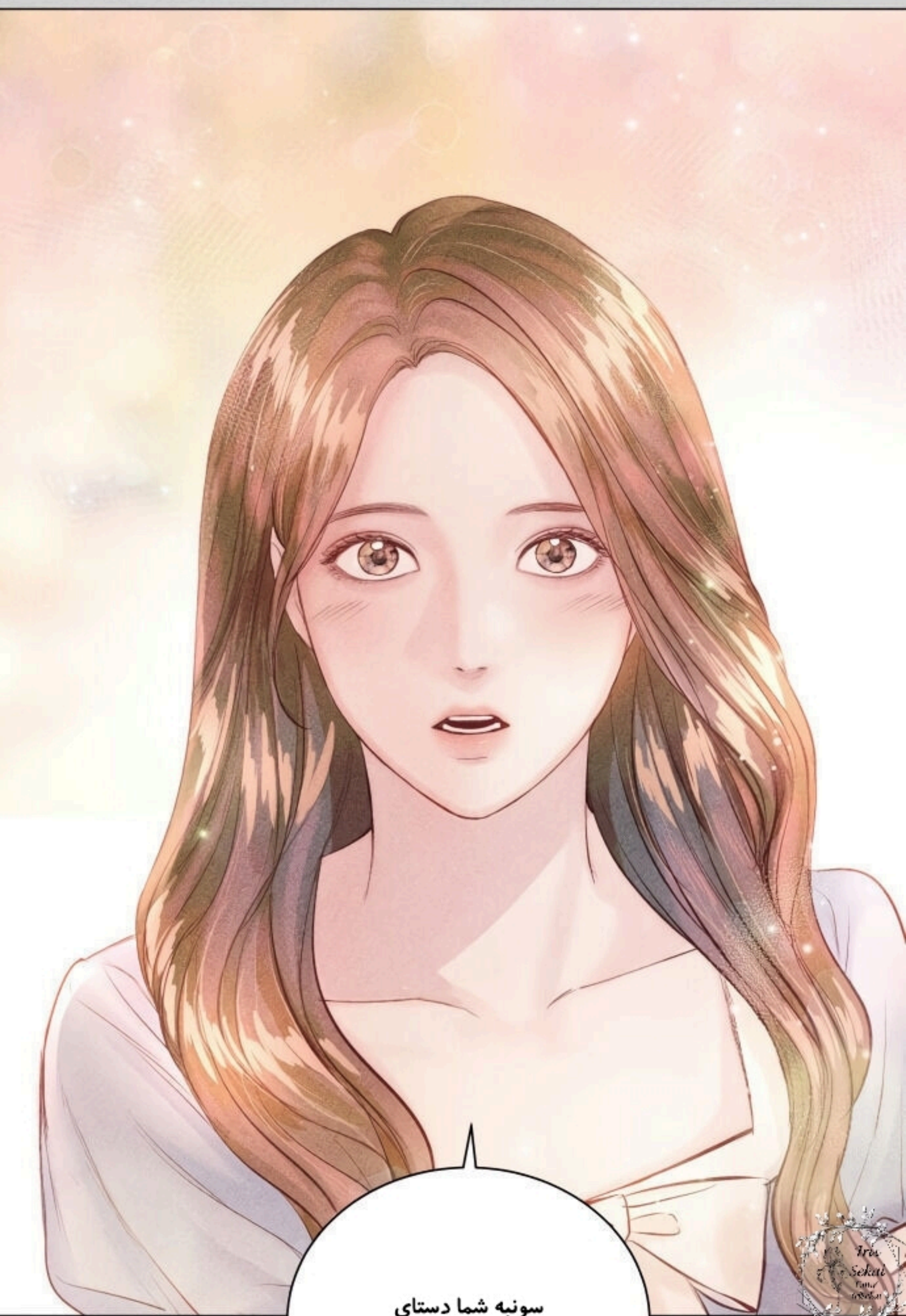
از روی عشق نبود

من باید به زودی  
ازدواج کنم اما کسی  
رو در نظر ندارم

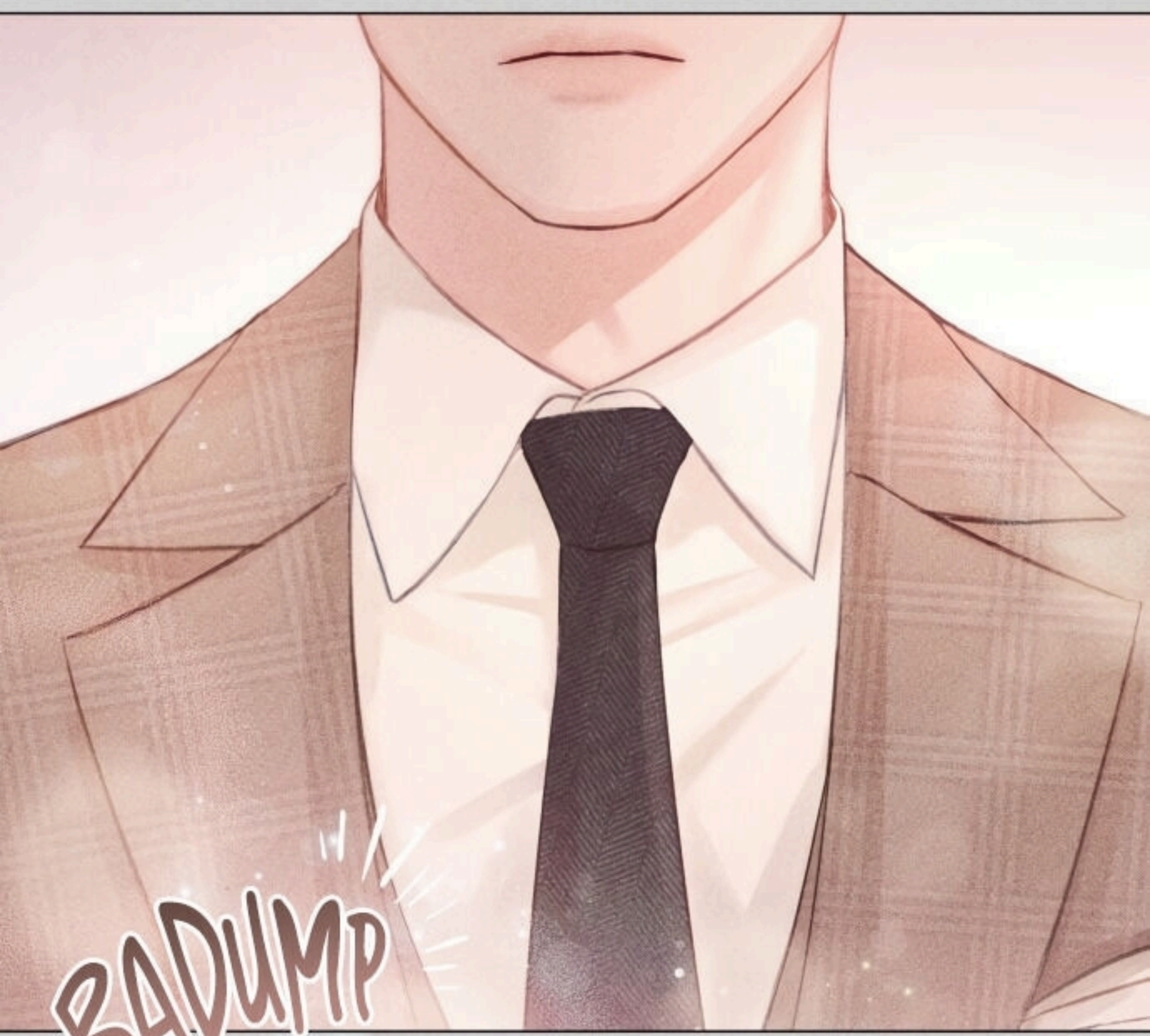


فقط از روی یه وسوسه  
و هوس ساده بود





سونبه شما دستای  
قشنگی دارین



BADUMP



...این همون چیزی بود که گفت

کانگ سون جه،  
شنیدم داری ازدواج می کنی اره؟  
مبارک باشه

مبارک باشه~

ایشالا به پای  
هم پیر شین~!

ولی سون جه،

واقعا مشکلی نداری؟

Step





با چی؟



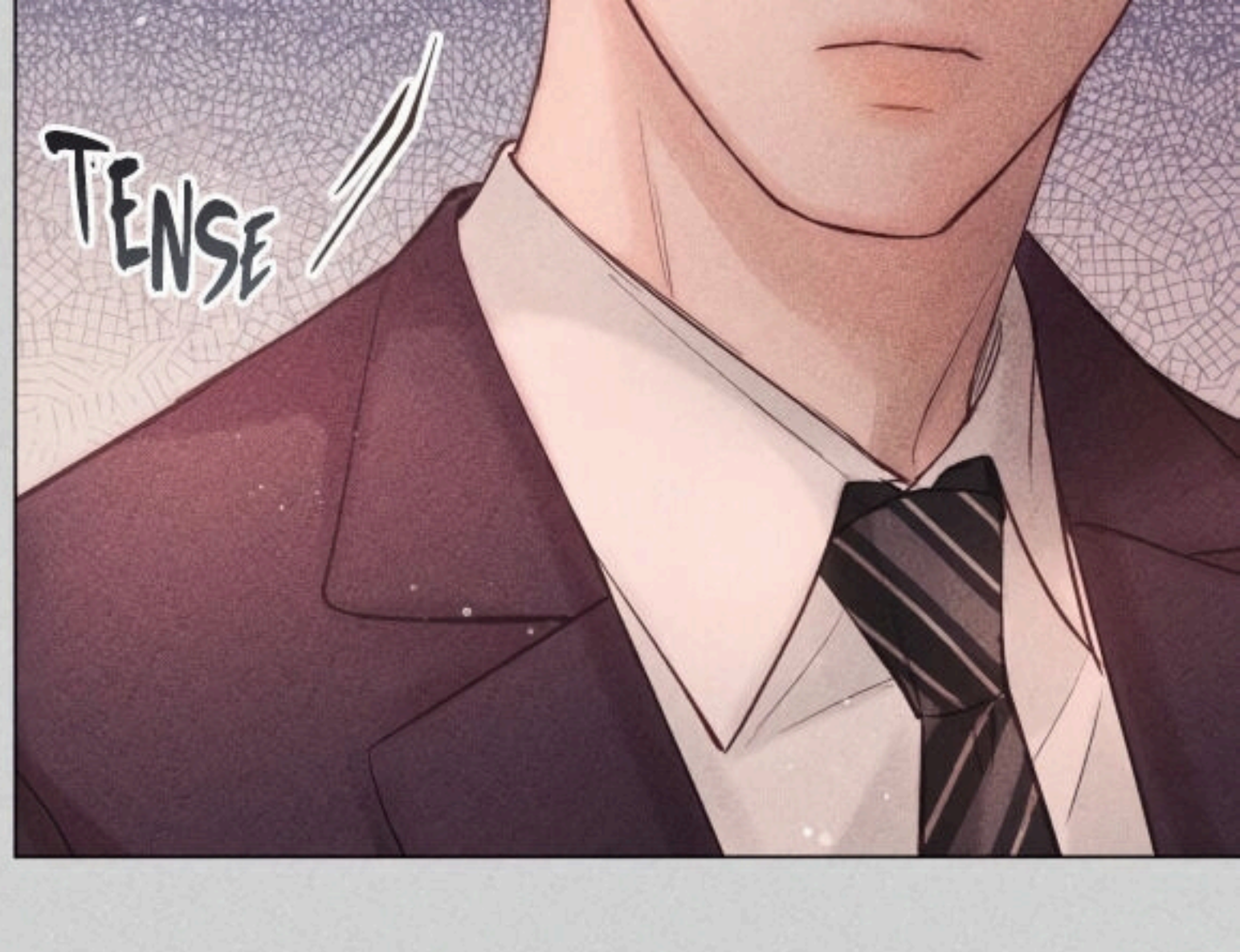
خب با دختری  
که می‌خوای ازدواج  
کنی دیگه

پشت سرش  
شایعه‌های خیلی سر  
و شاخ‌داری هست

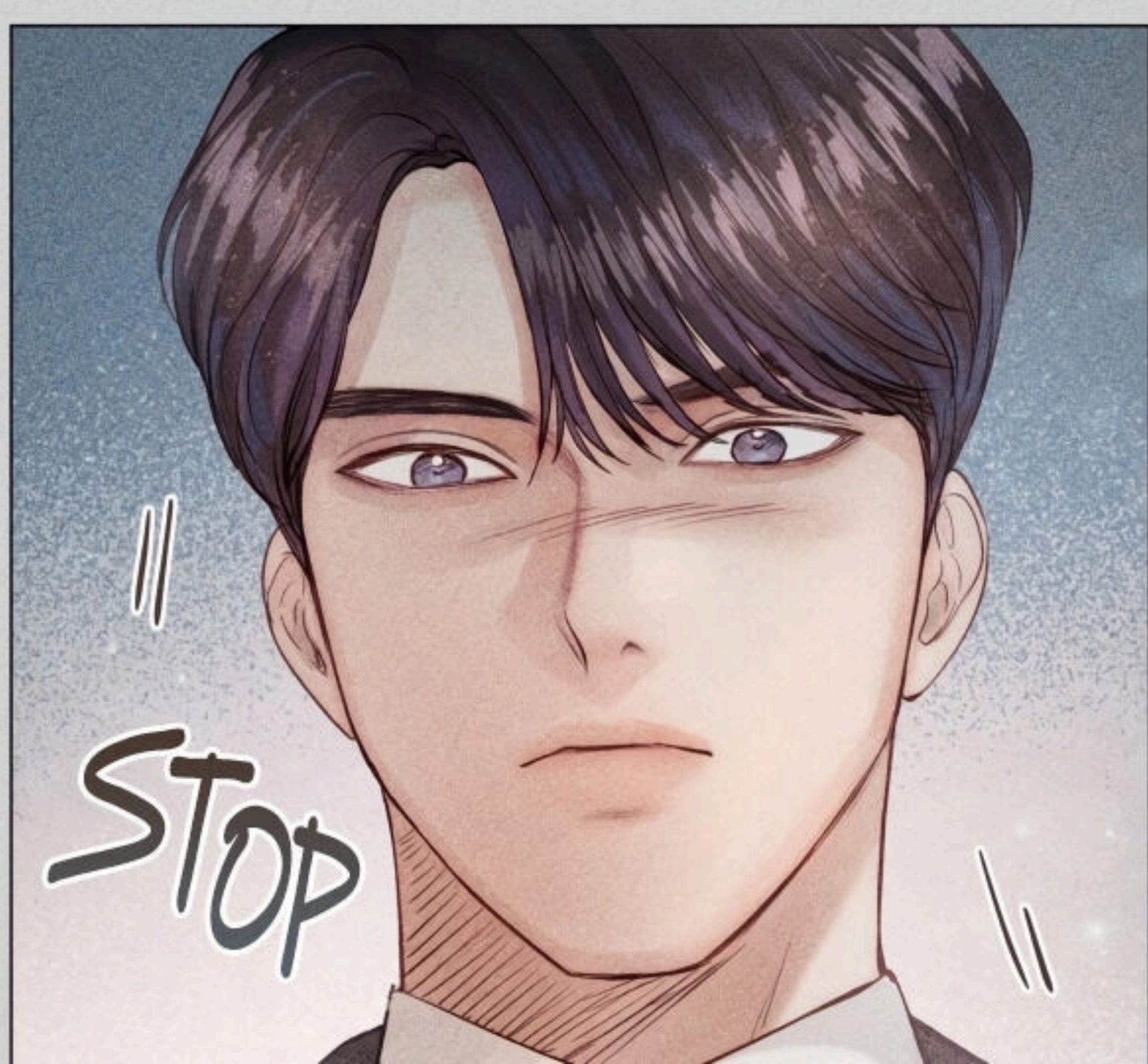
انگار سابقه‌ش تو  
دیبرستان خراب بوده

ظاهراً با یه پسرهای  
زیاد می‌پریده و آخرشم  
یه گندی بالا آوردن













این یه گزارش  
آزار جنسیه که براشون  
اتفاق افتاده



فقط خواهش  
می‌کنم خودتونو کنترل  
کنید و عصبی نشید

تموم مدت،  
فکر می‌کردم  
خیلی عجیبه.

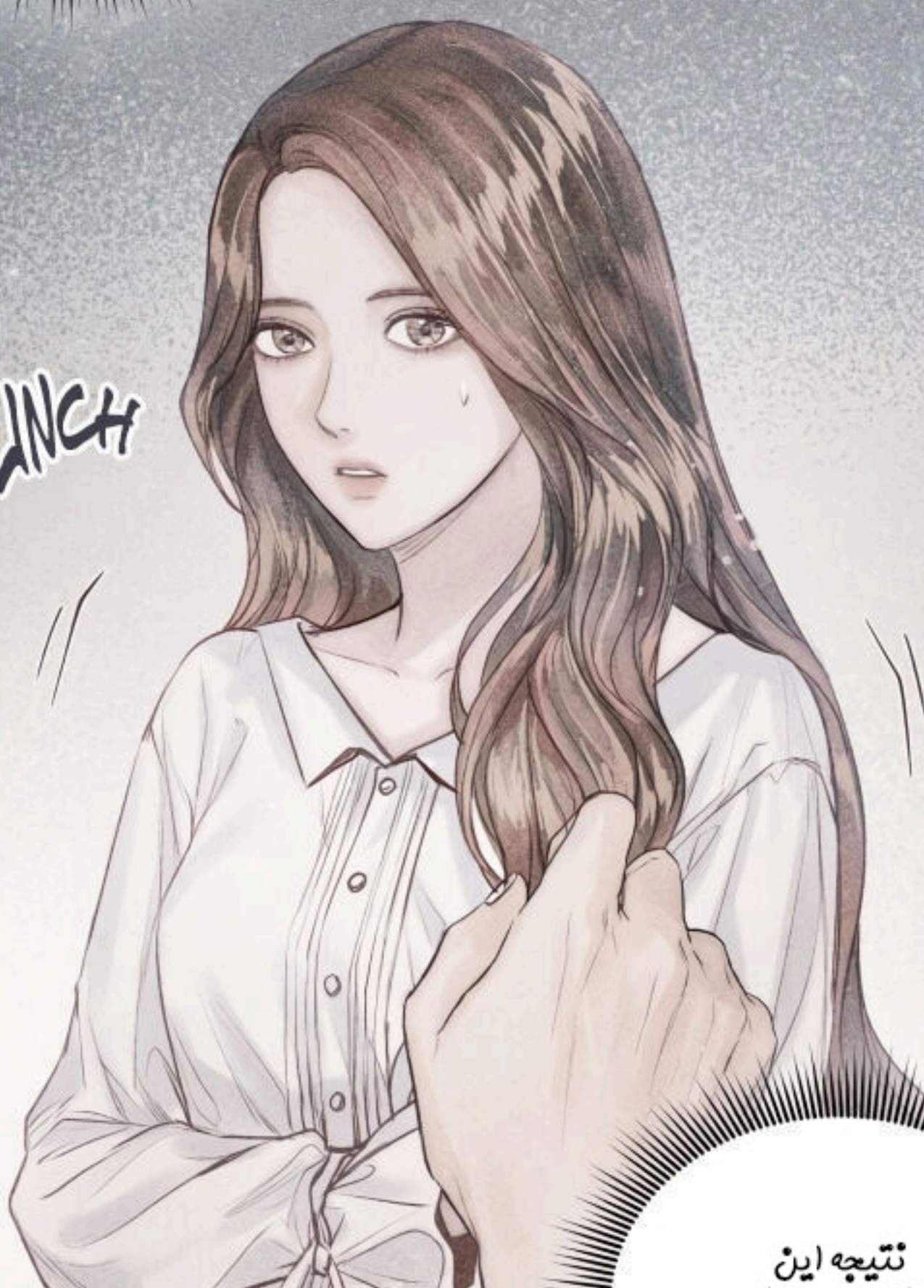






همه اون  
رفتارهای تدافعی  
و محتاطانهش....

FLUNCH



نتیجه این  
اتفاقاتی بود که  
براش افتاده بود؟

این حرومی الان کجاست؟





اصالتا اهل ایالت  
متحده آمریکاست،

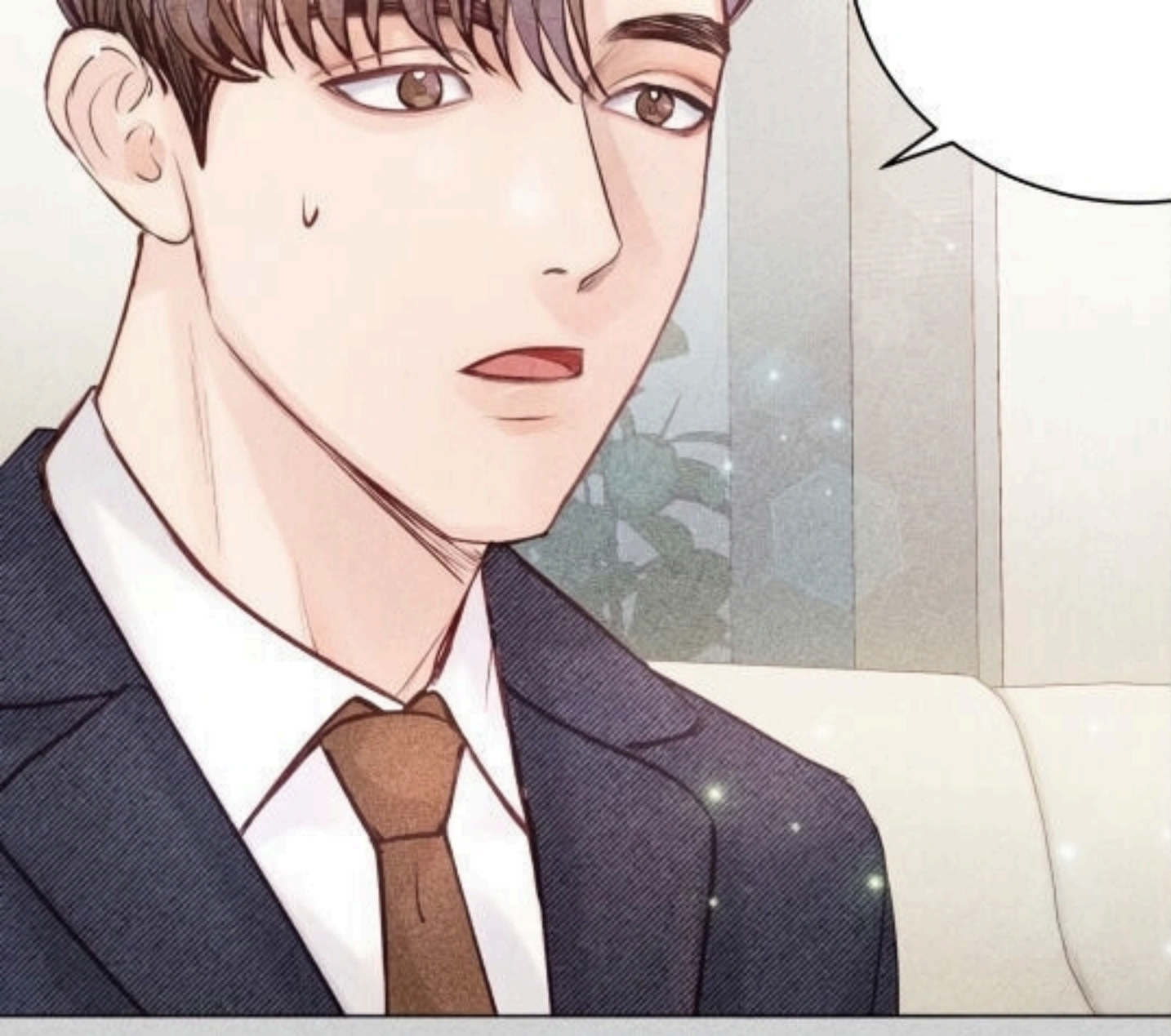
تا قضیه سر و صدا کرده،  
فراره کرده همونجا

برای گرفتنش  
کاری هست که  
بتونیم بکنیم؟

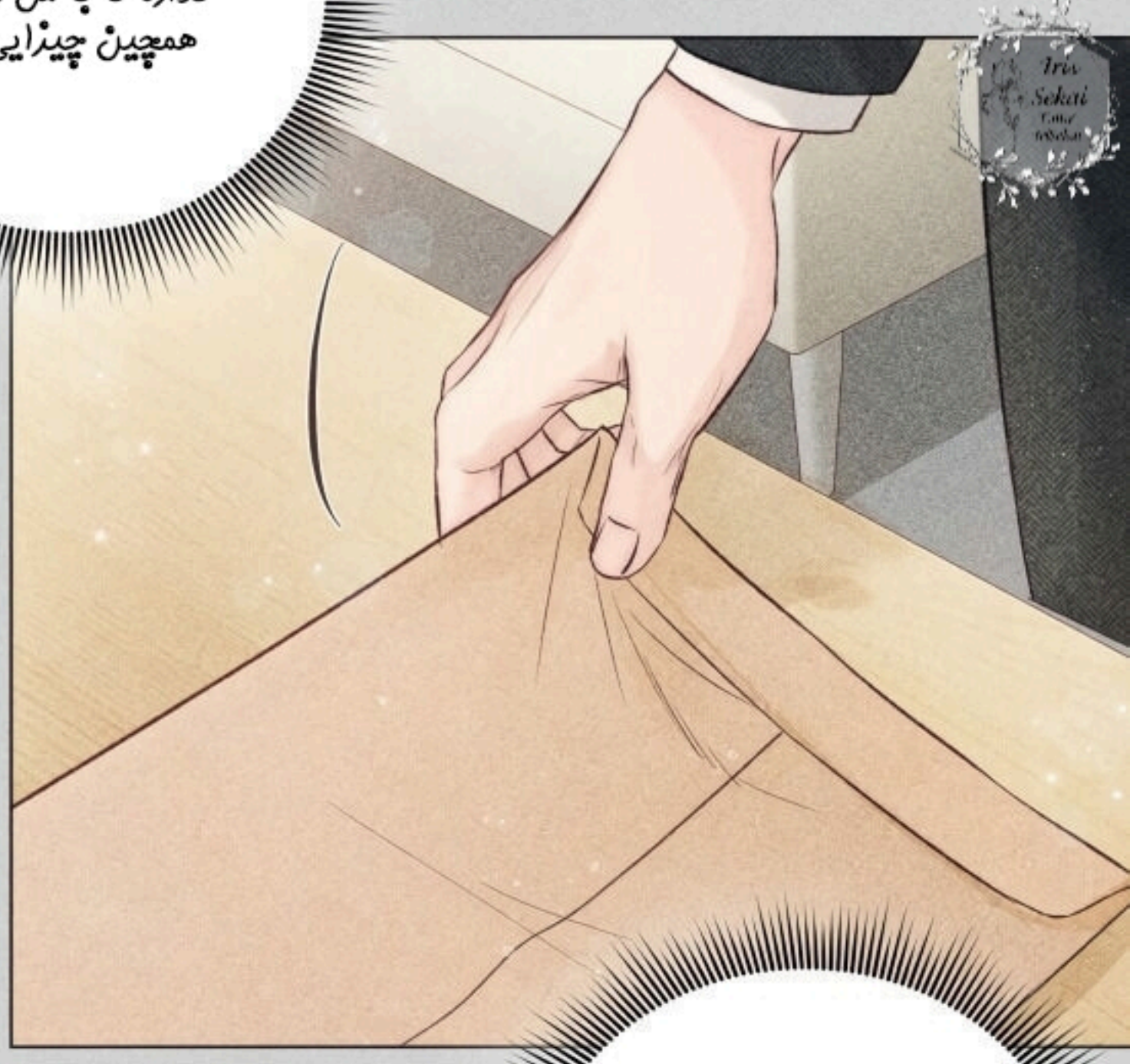
همین الانش هم  
بخاطر یه جرم دیگه  
تو آمریکا زندانیه

مگه... خانم یون وو وقتی  
قرار میذاشتید هیچوقت درباره  
این موضوع چیزی نگفتن؟





معلومه، هیچ دلیلی  
نداره که به من درباره  
همچین چیزایی بگه



ولی... من حتی  
یکم وقت نداشتیم تا  
پیشتر بشناسمش

عین به آدم احمق و  
ساده لوح فکر می کردم که...



با آوردنت به دنیای  
خودم، نجات دادم.





پی دقت بودم،  
واقعا انتخاب درستی  
کردم؟



اگه باعث بشم کسی  
مثل تو که همچین ترس  
عمیقی رو تجربه کرده،

CLENCH...

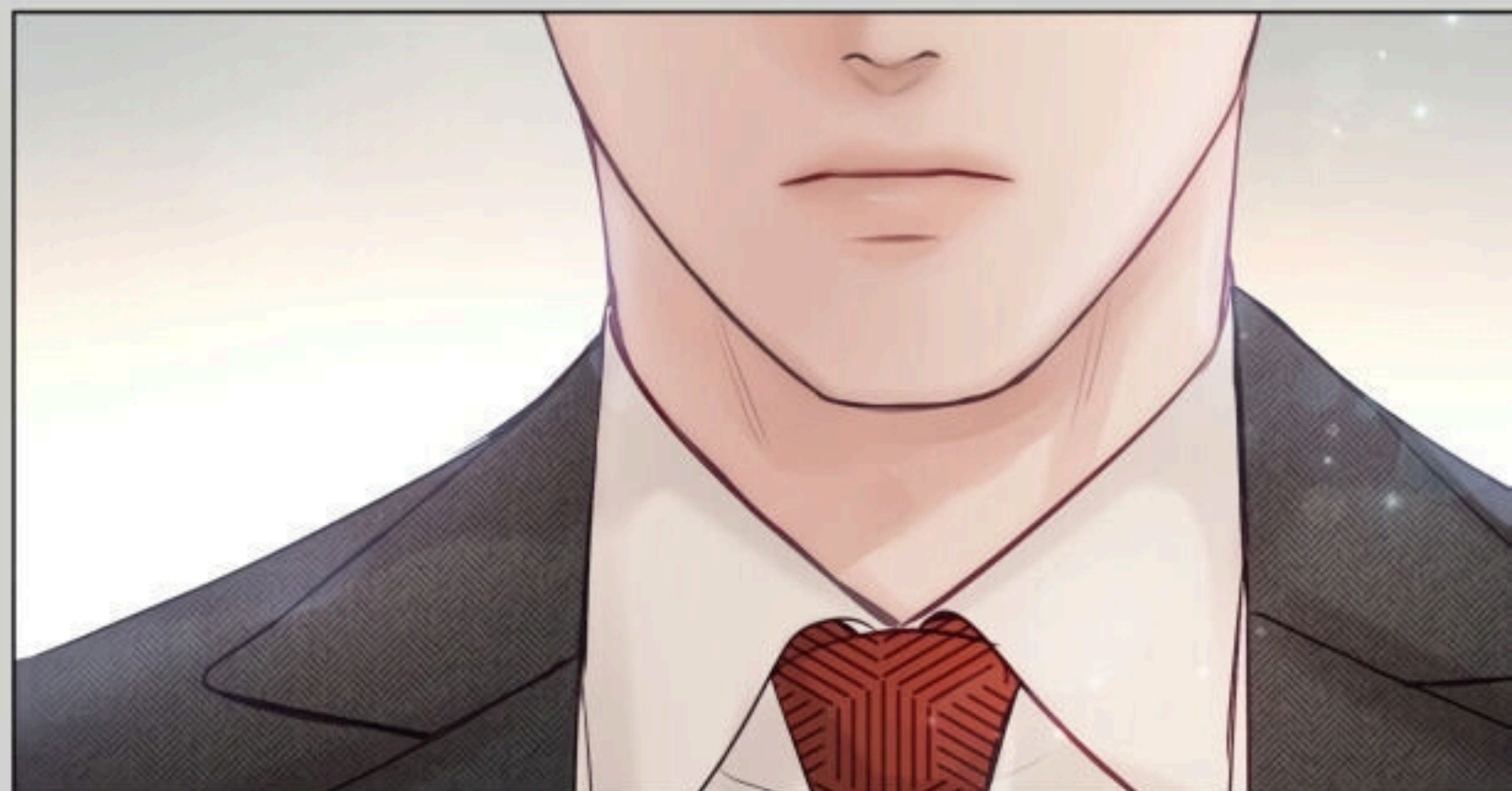
دوباره بخاطر من  
صدمه ببینه...

سون جه،



این گزارش  
رو ازدواجتون تأثیری  
میزاره؟





نه

درسته!  
منم همین فکرو  
می کردم.



هوف





تا وقتی که  
هواشو داشته باشی  
ردیفین پس



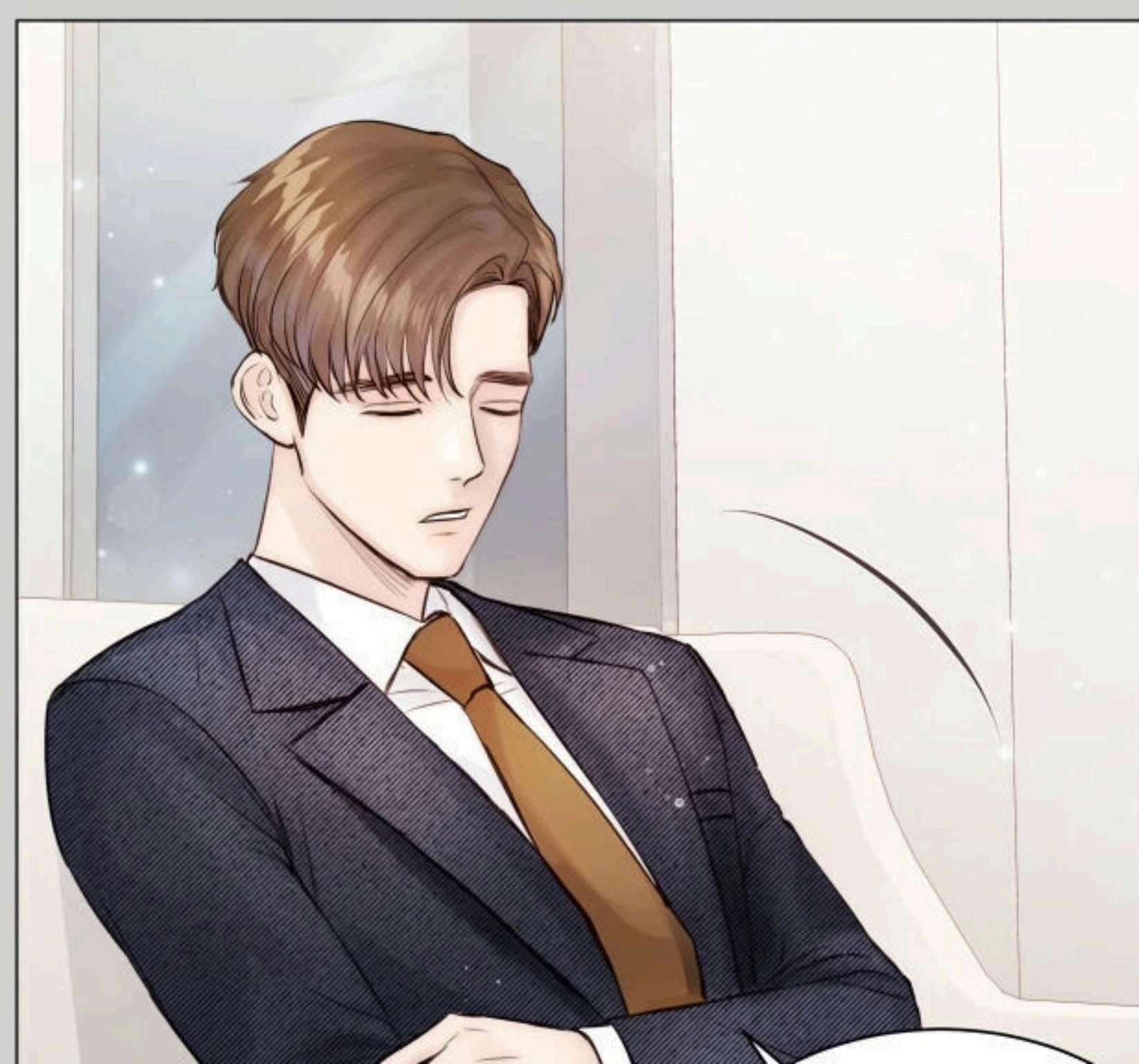
آه، و درباره  
تموم این قضایا،



یه خواهشی ازت دارم...



میدونم، میدونم!  
به کسی نمی گم خیالت  
راحت باشه





ولی انگار خانواده  
خانم یون وو هم از این  
اتفاق خبری ندارن

خانوادهش هم  
از بلایی که به سرش  
اومده خبر ندارن؟

ظاهرا همون موقع، به  
پلیس قول داده که خودش  
میتونه باهاش کنار بیاد...

و نذاشته هیچی به  
گوش خانوادهش برسه

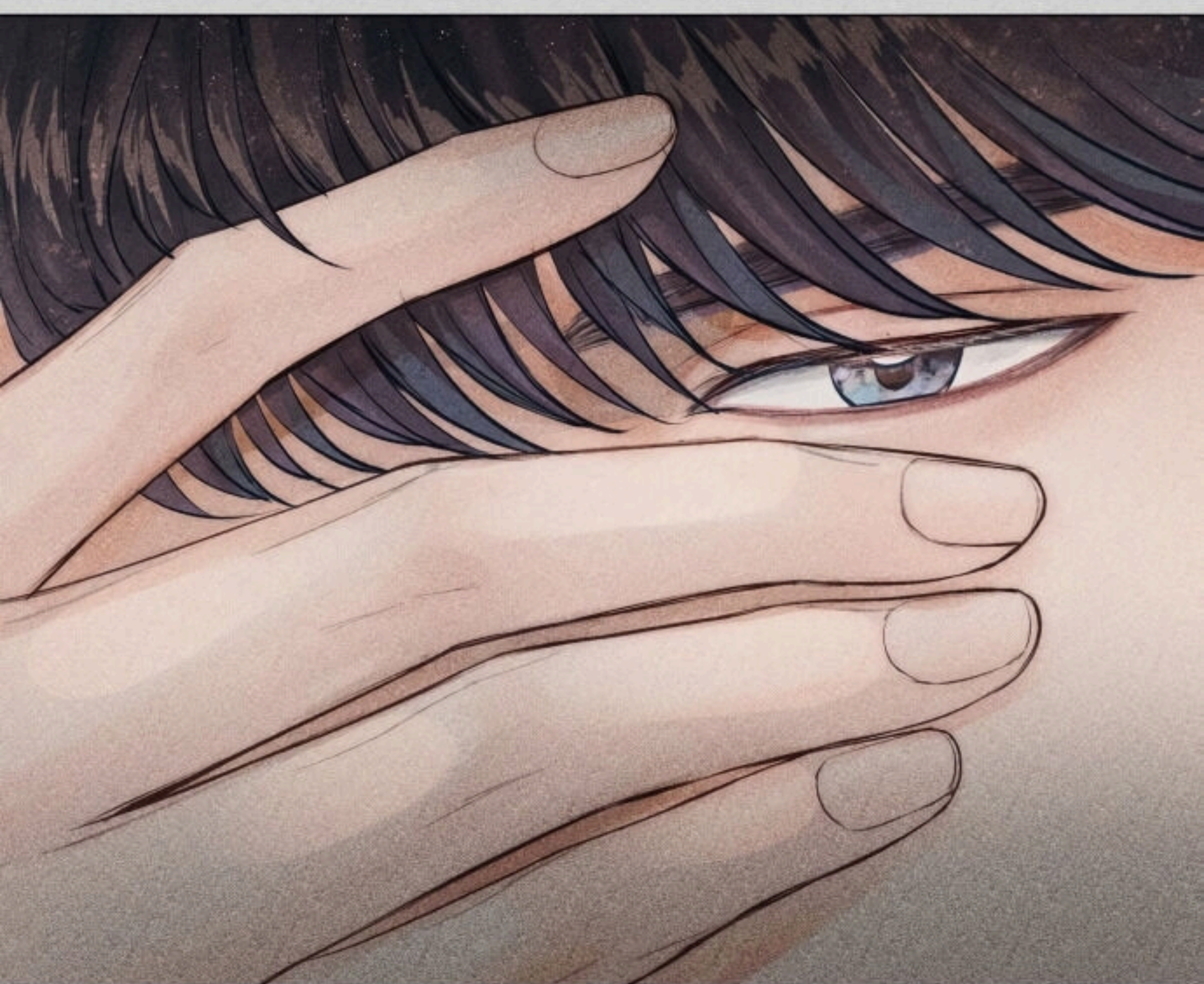
گفته که خودش  
تنهایی میتونه از پس  
قضیه بریاد.

...فقط همین  
یه کار پفکزش  
رسید؟

تنهایی تحمل کردن  
تموم عواقبش؟



مخفی کردن موضوع از همه،



با حرف نزدن راجبش...





هدف این خیریه

حتما این تنها کاری بود  
که می‌تونستی بکنی تا  
قضیه برای بقیه رو نشه



این تعوم کاری بود که  
برای محافظت از خودت  
می‌تونستی انجام بدی

اره، درسته~



به زبون ساده،  
نامزد سون چه ازون  
لاس‌زن حرفه‌ای‌است

\*هالچ: گوینج که عاشقش می‌کنه  
خودش سفارش می‌کنه:)





یعنی یکم فکر کن،

واقعا کانگ سون چه راضی میشه  
با دختری که از یه خانواده گدا گشنه‌ست  
ازدواج کنه، فقط چون دوستش داشته؟



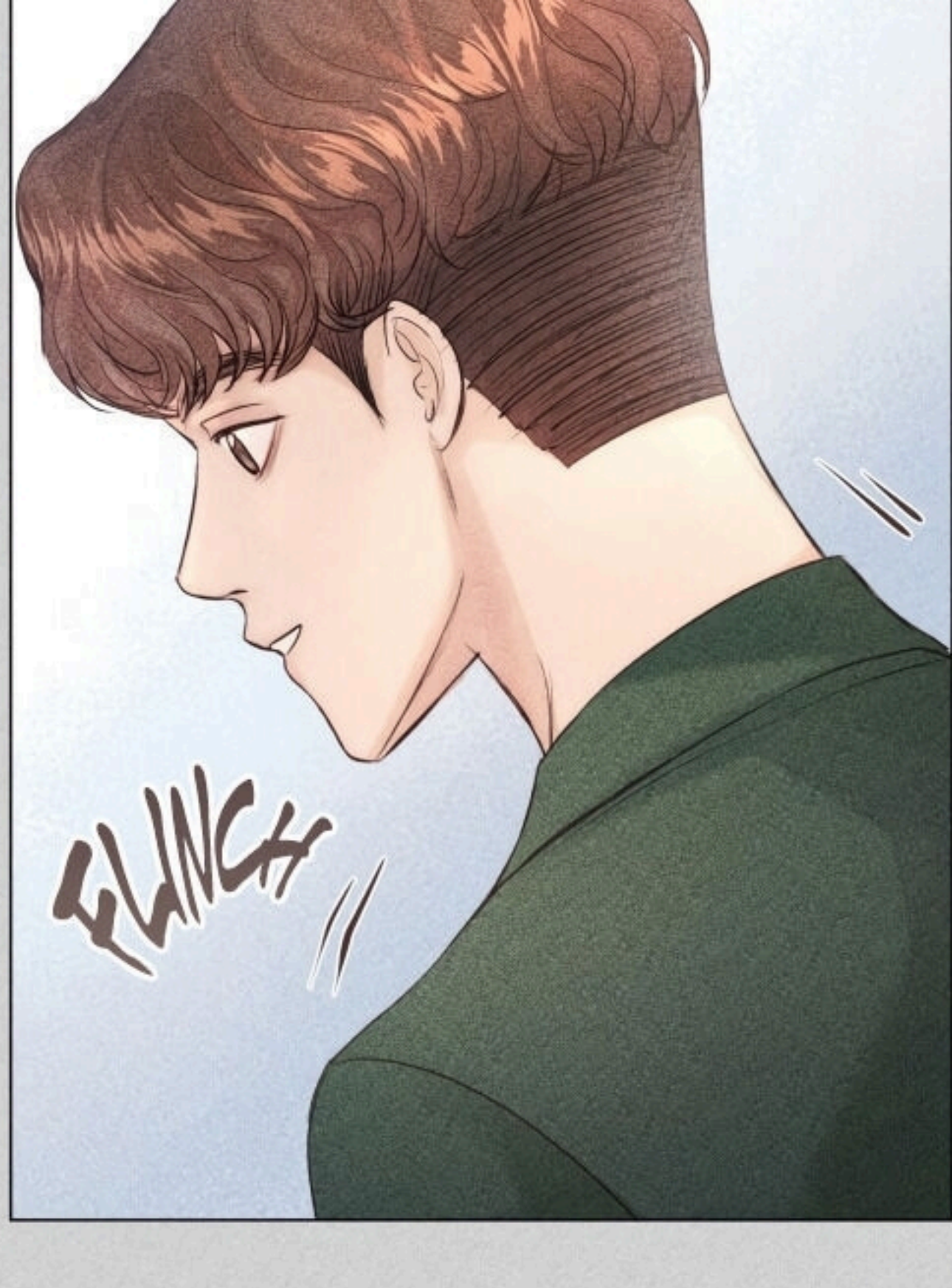
حتما نقشه‌های دیگه‌ای  
تو سرش داره!



مگه قبلا بهت هشدار نداده بودم؟







که کانگ سون جه!



آم،- اشتباه متوجه  
شدی، فقط از سره نگرانی  
این حرفارو زدم



یعنی، انگار خودت  
هم نامزدت رو اونقدر  
هم دوست نداری





بیشتر انگار بخاطر  
پولت کنارته و ازت  
باج میگیره





حتی از اون روزی که ازت خاستگاری  
کردم، تصمیم گرفتم هرطوری  
شده ازت محافظت کنم.



اگه یبار دیگه همچین  
مزخرفاتی از دهنِت دربیاد،  
خودم می کشمت.

NOISY



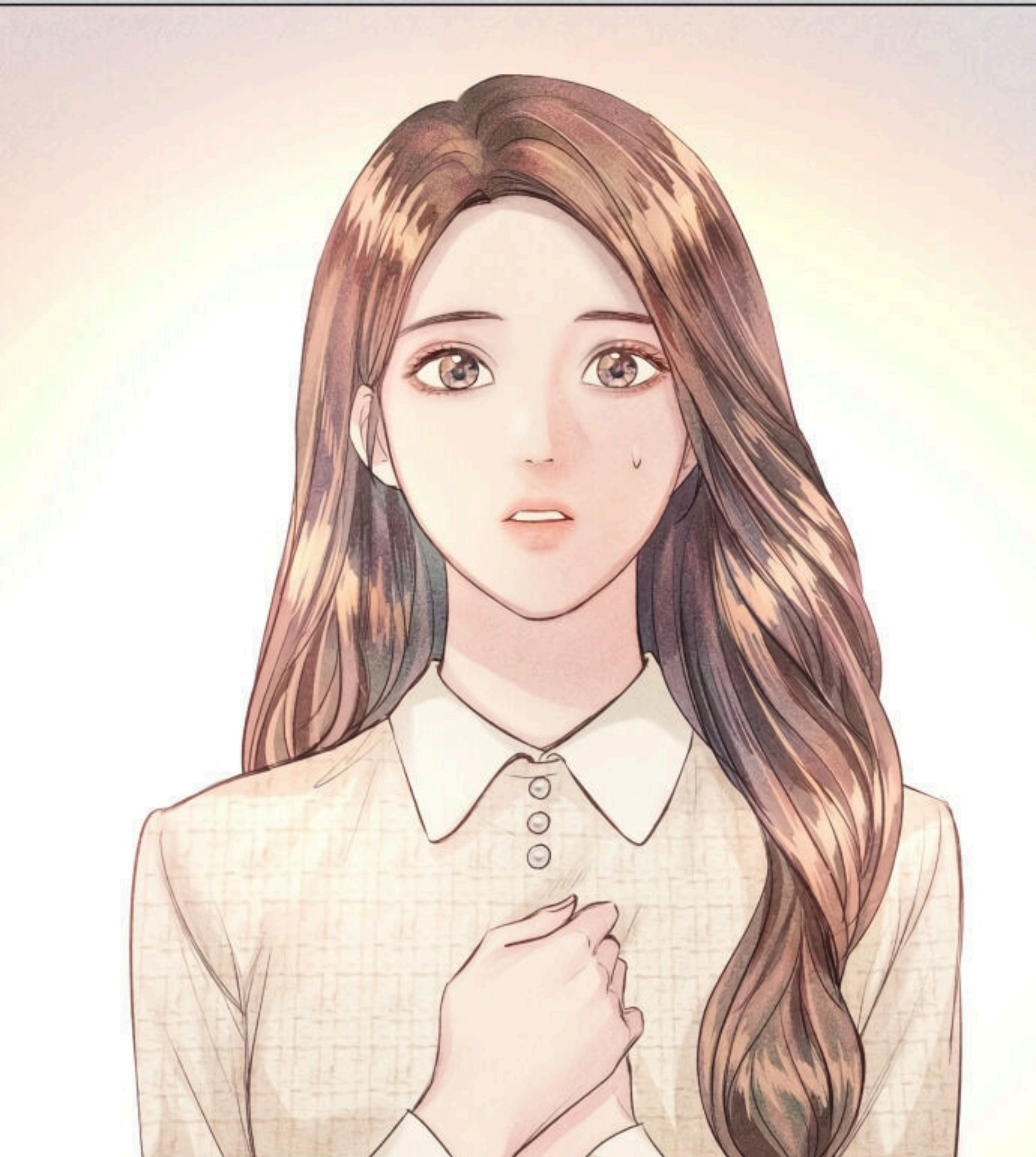




نمیزارم هیچکسی بهت صدمه‌ای بزنه.



نمیزارم دوباره کسی پشت سرت حرفی بزنه.











من... نمی‌تونم یه بغل گرم بهت  
بدم یا قلب کوچیکتو آروم کنم،



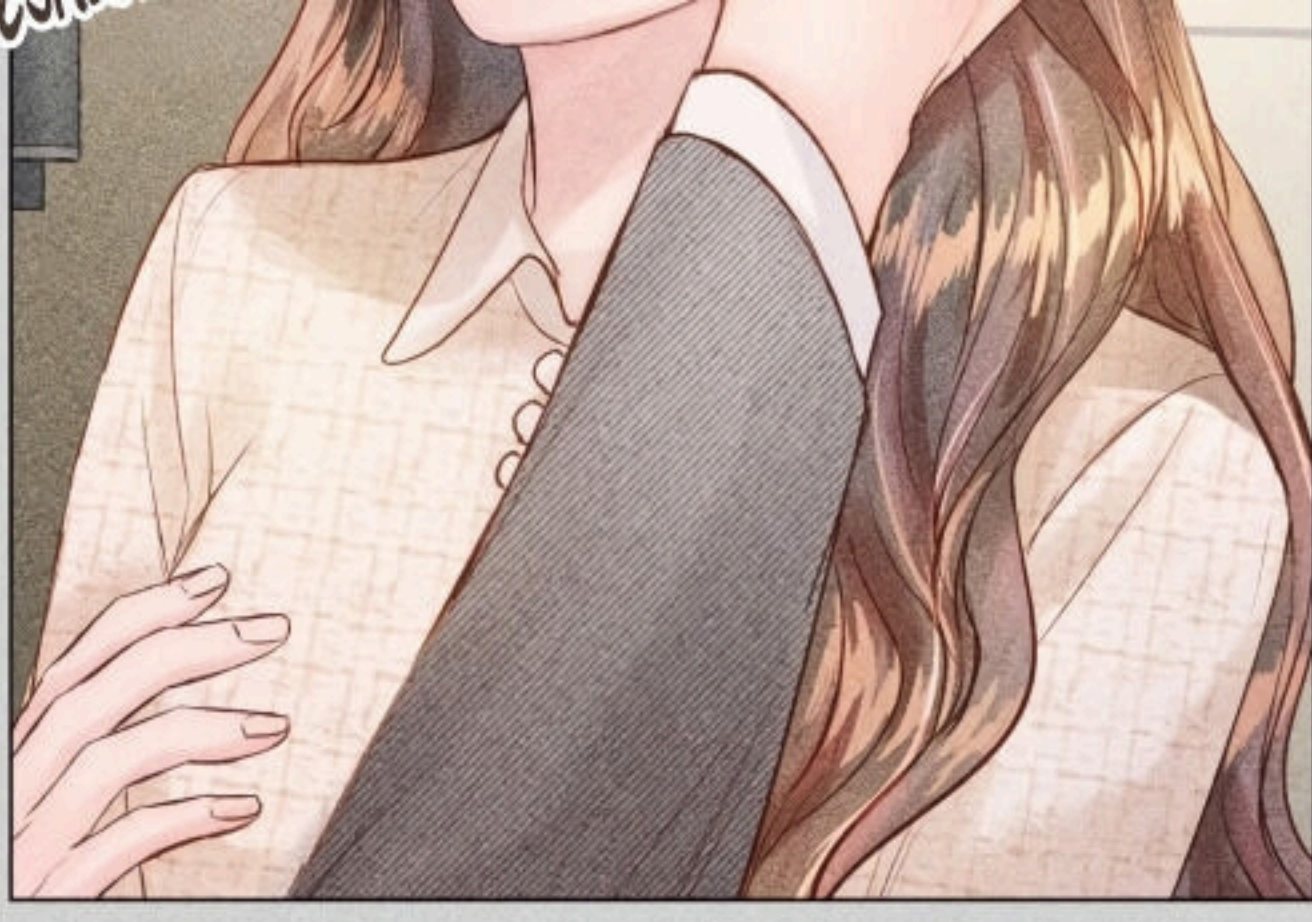
به کسی که پیشم حتی یک کلمه  
هم از چیزی شکایت نمی‌کنه،



Hesitant...







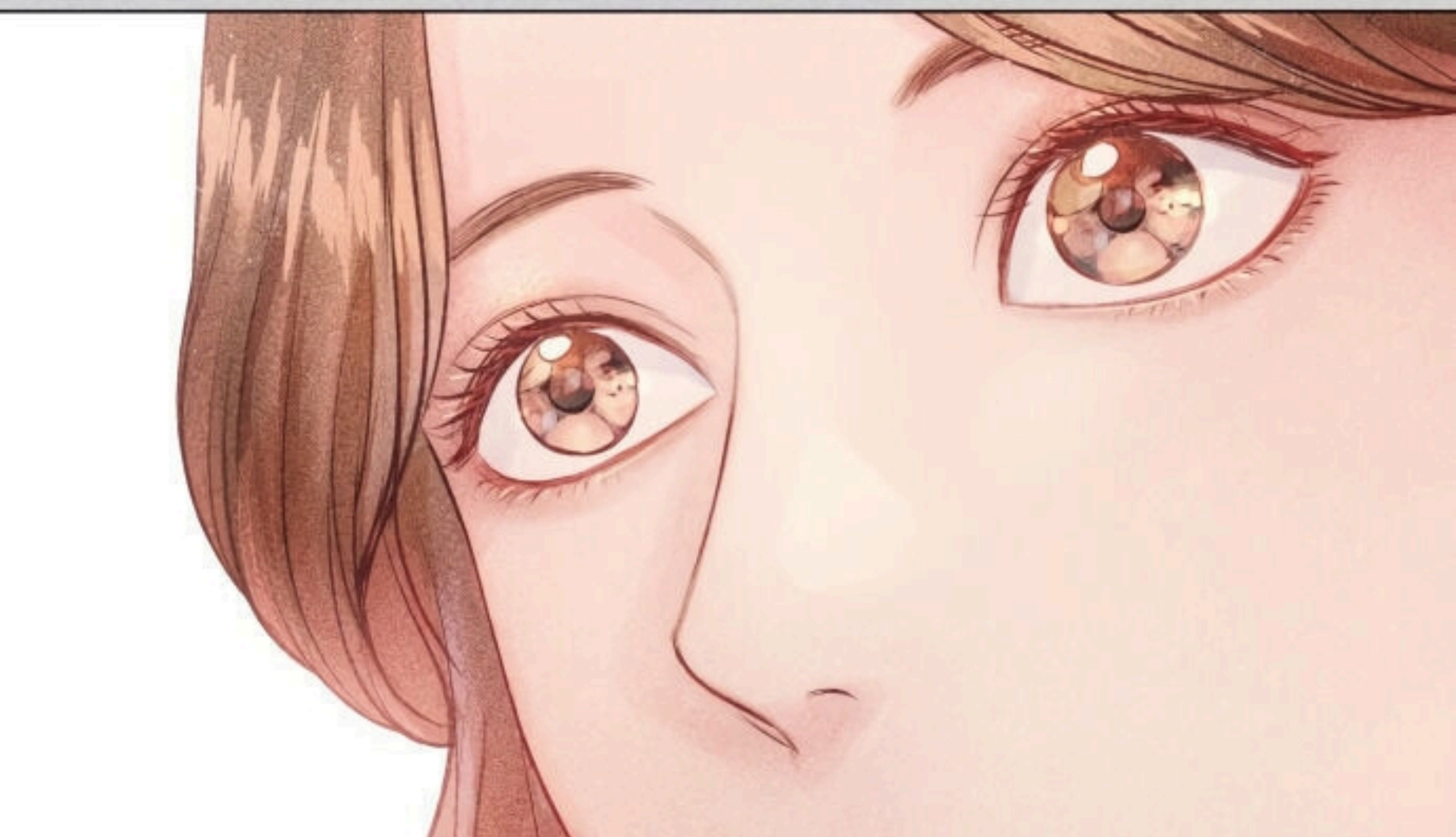
ولی می‌تونم به روش خودم  
ازت محافظت کنم.



...کمکم می‌کنی یه  
نمایش راه بندازم؟

باید به همه اون  
آدما بقبولونیم که...

ازدواجمون واقعیه

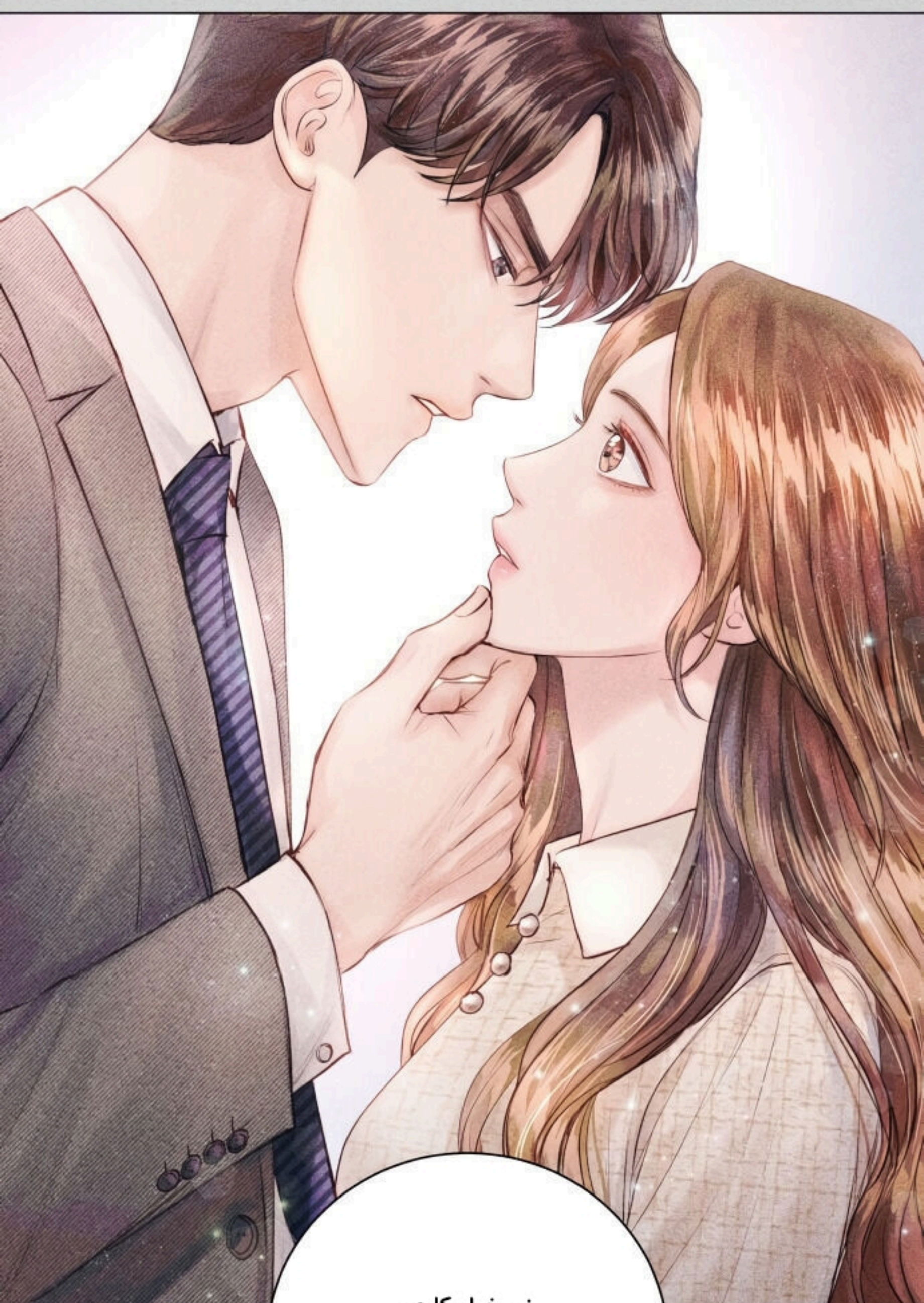




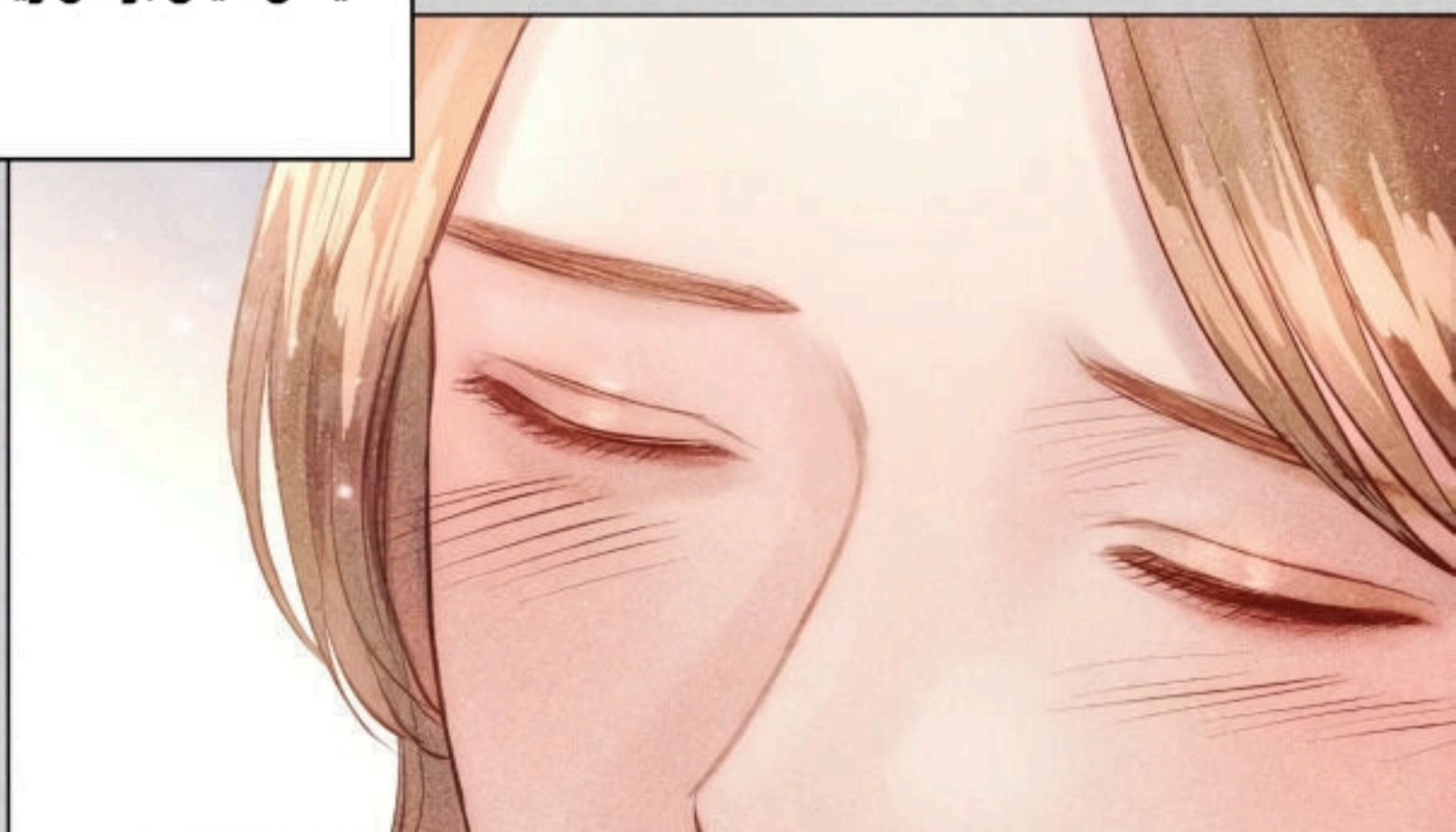
می‌توننی پسم بزنی



نمی‌خوام کاری  
که دوست نداری باهات  
انجام بدم



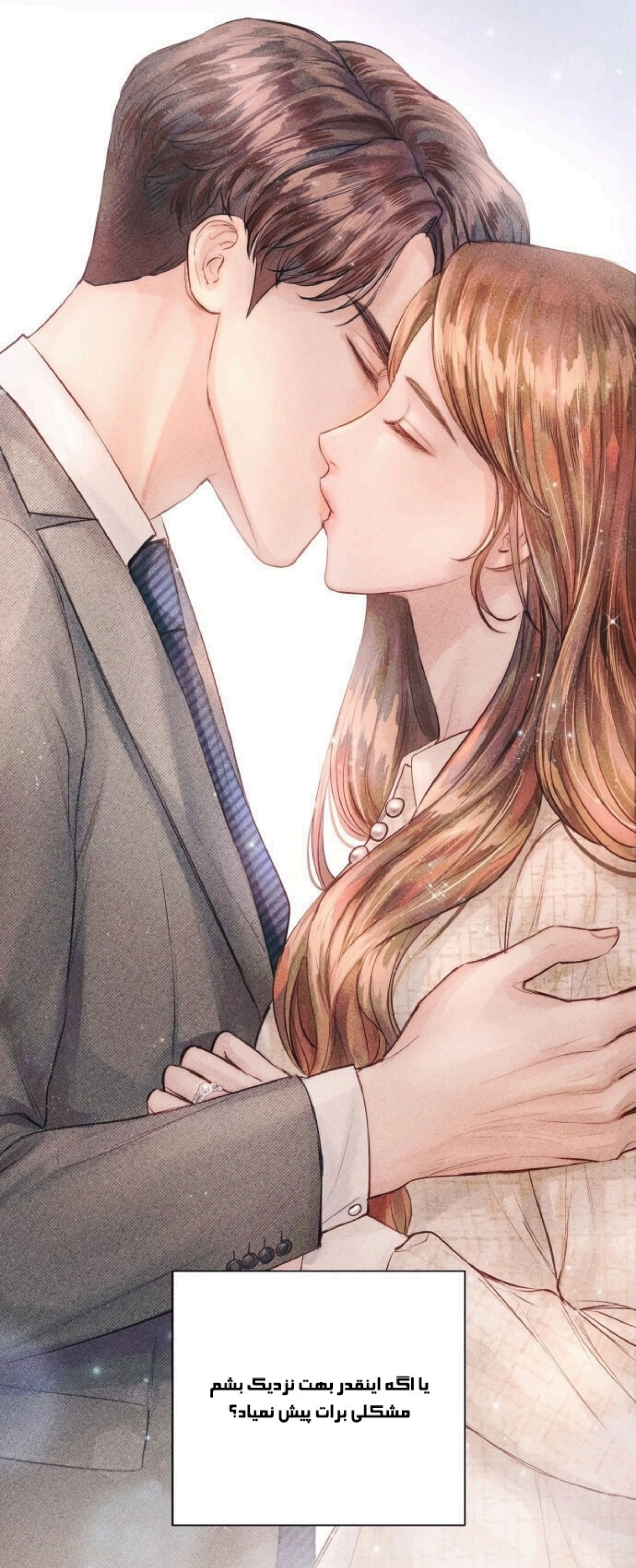
یعنی خیلی براش زیاده؟





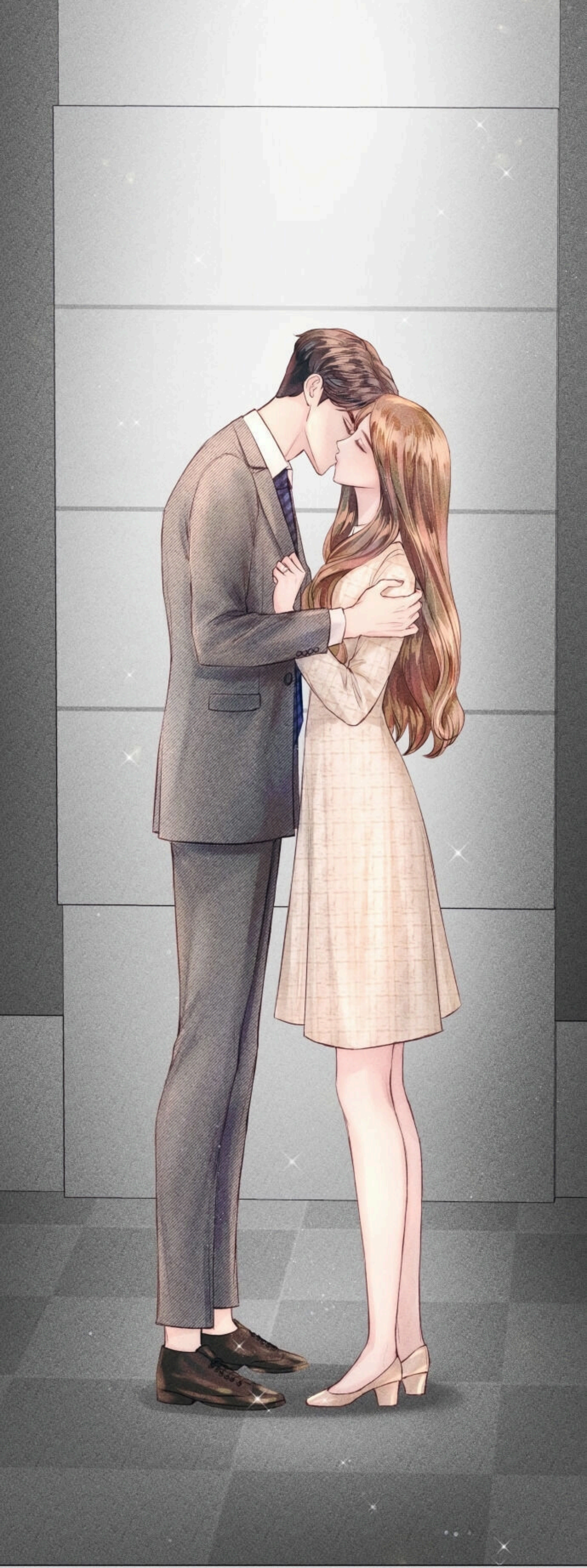


یعنی بخاطر من داره خودشو  
مجبور می‌کنه که کارای  
فراتر از حد تحملش بکنه؟



یا اگه اینقدر بهت نزدیک بشم  
مشکلی برات پیش نیاد؟



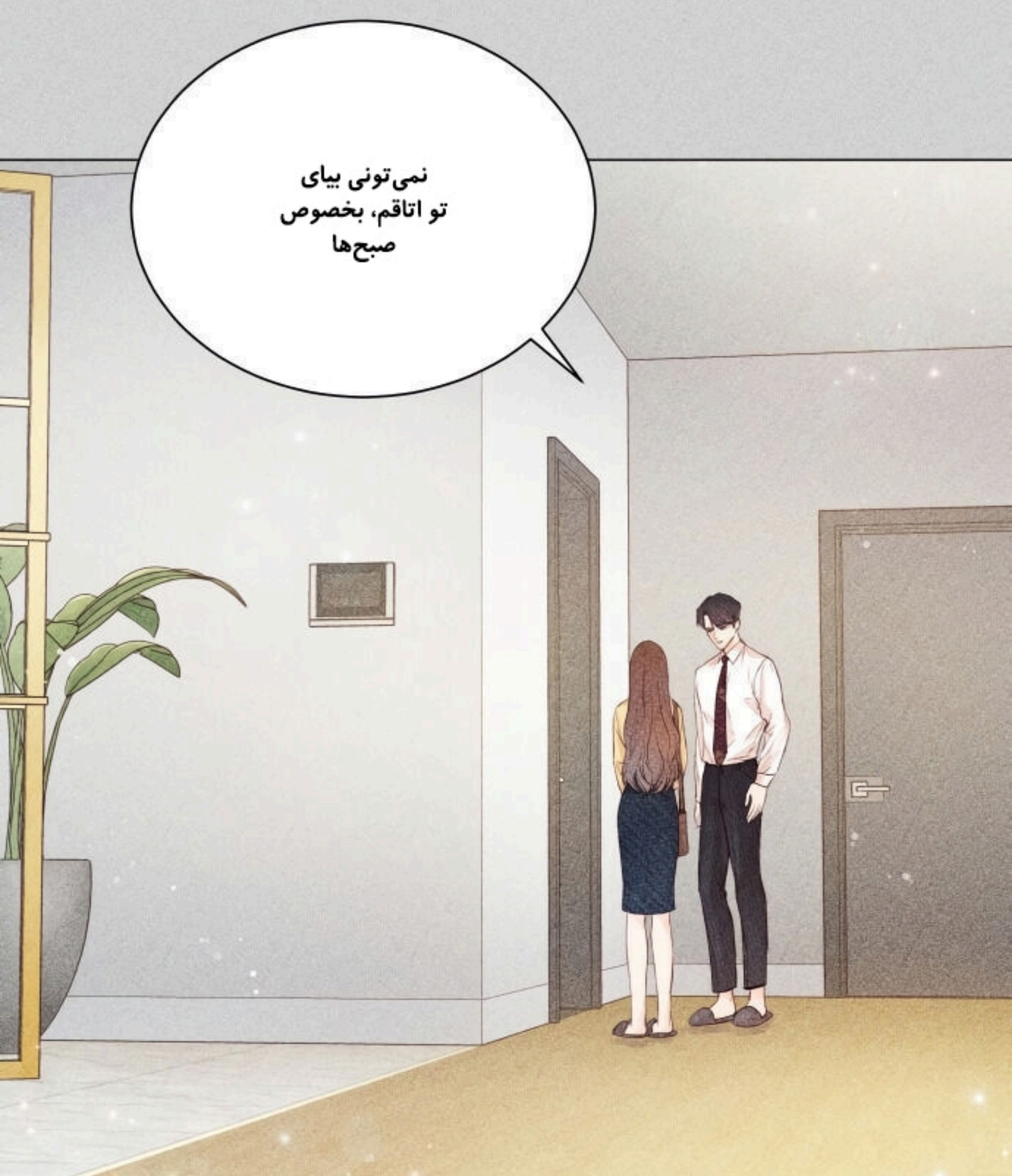


چقدر دیگه اجازه دارم  
بهت نزدیک بشم؟





اون اتاق  
توعه این یکی  
هم ماله منه



نمی تونی بیای  
تو اتاقم، بخصوص  
صبح ها

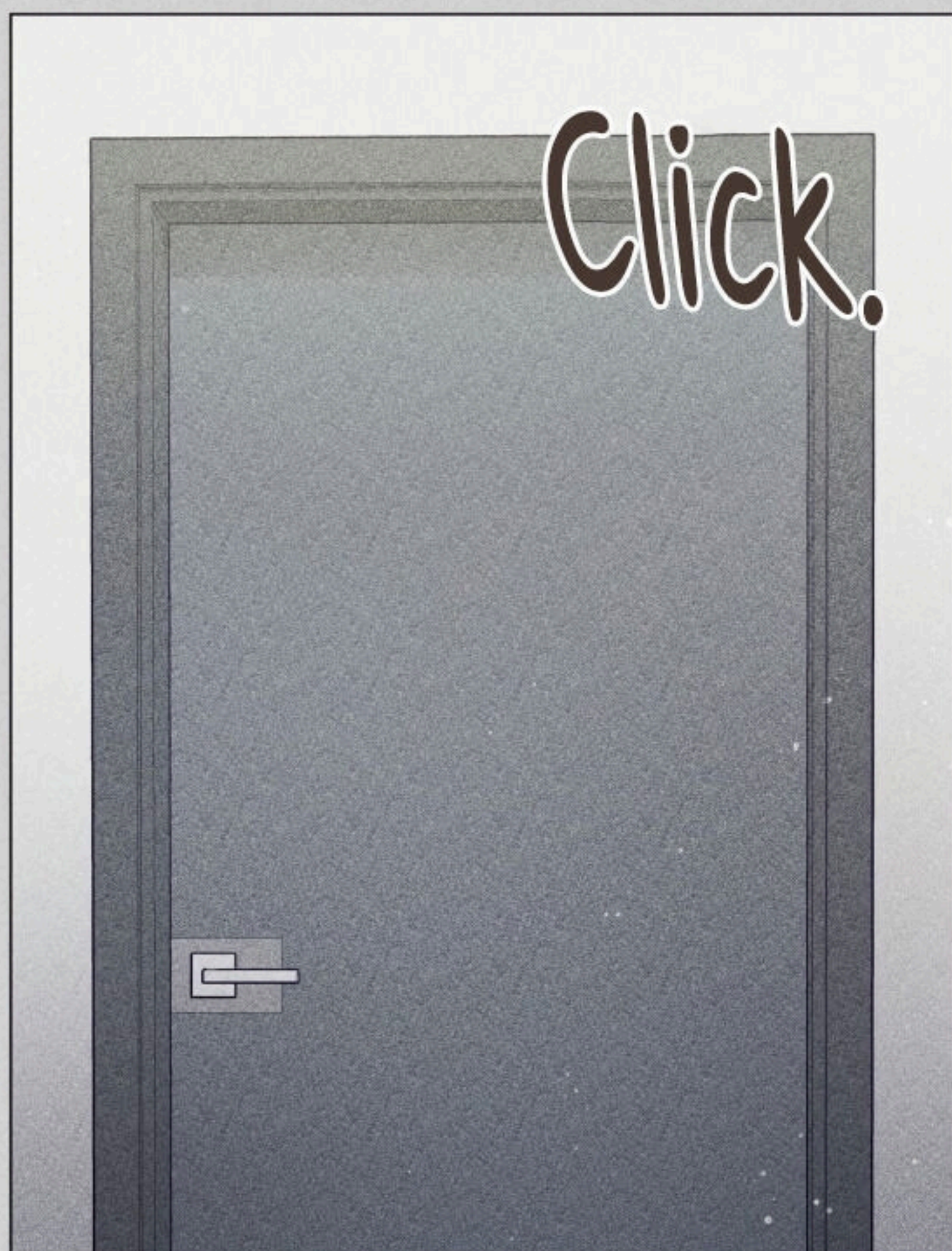


...باشه





Step

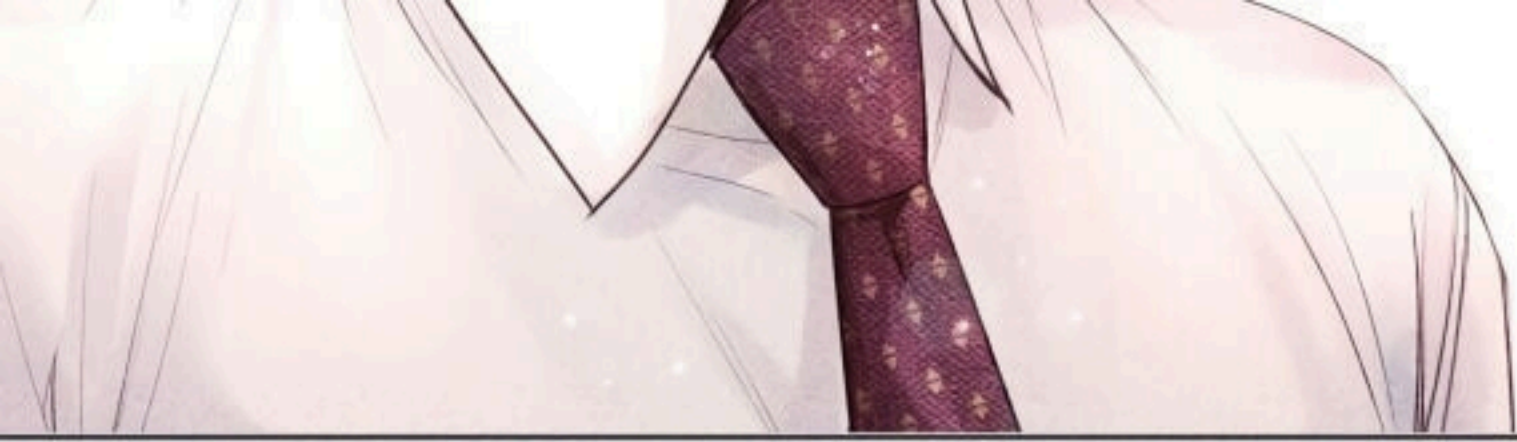


Click.



مزاحمت نمیشم و خودمو  
بهت تحمیل نمی‌کنم، پس...

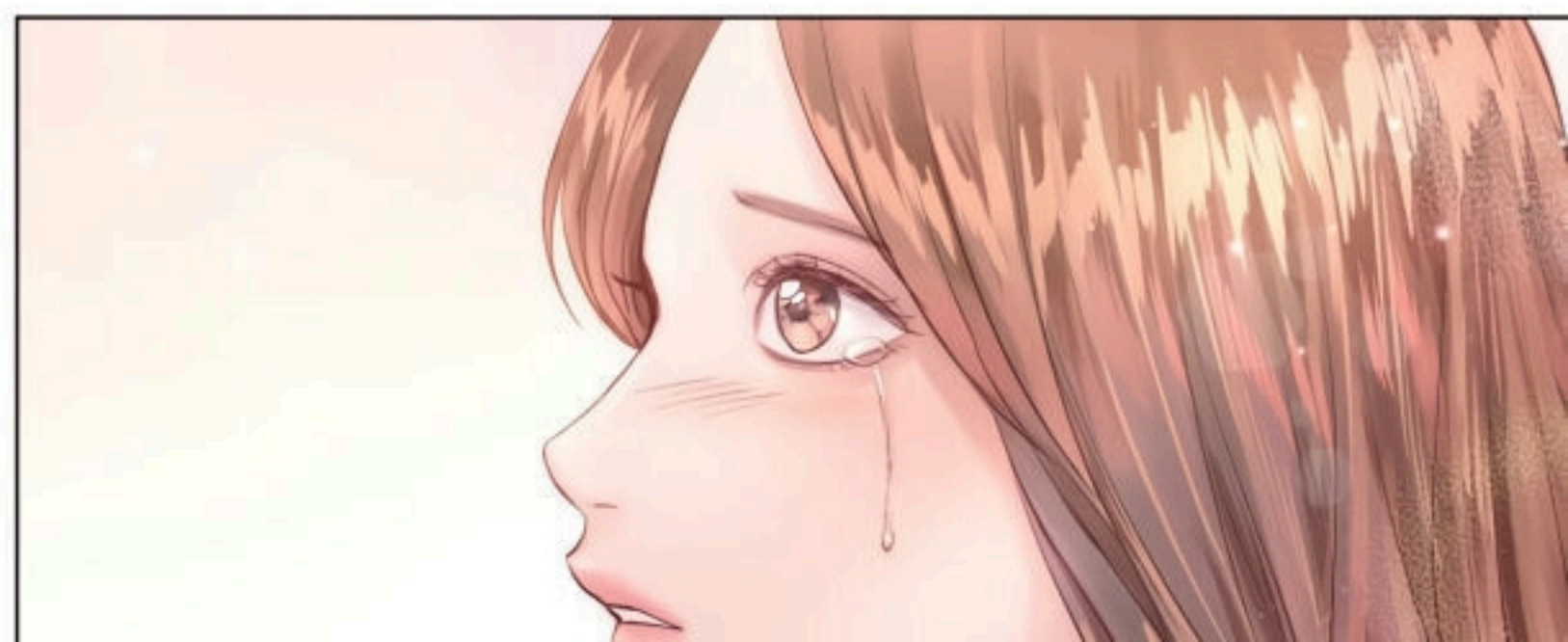




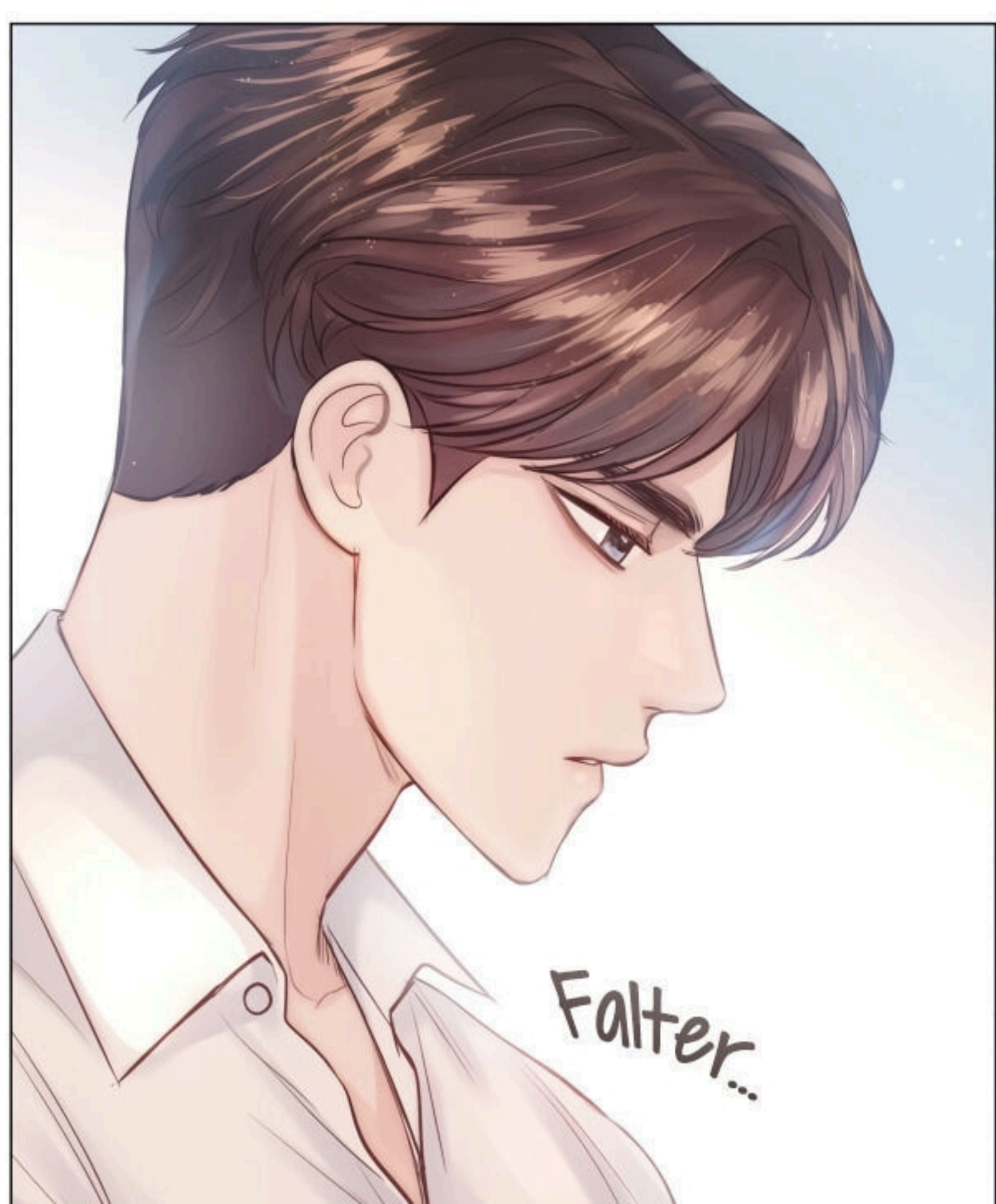
توی اتفاق برای  
خودت راحت باش



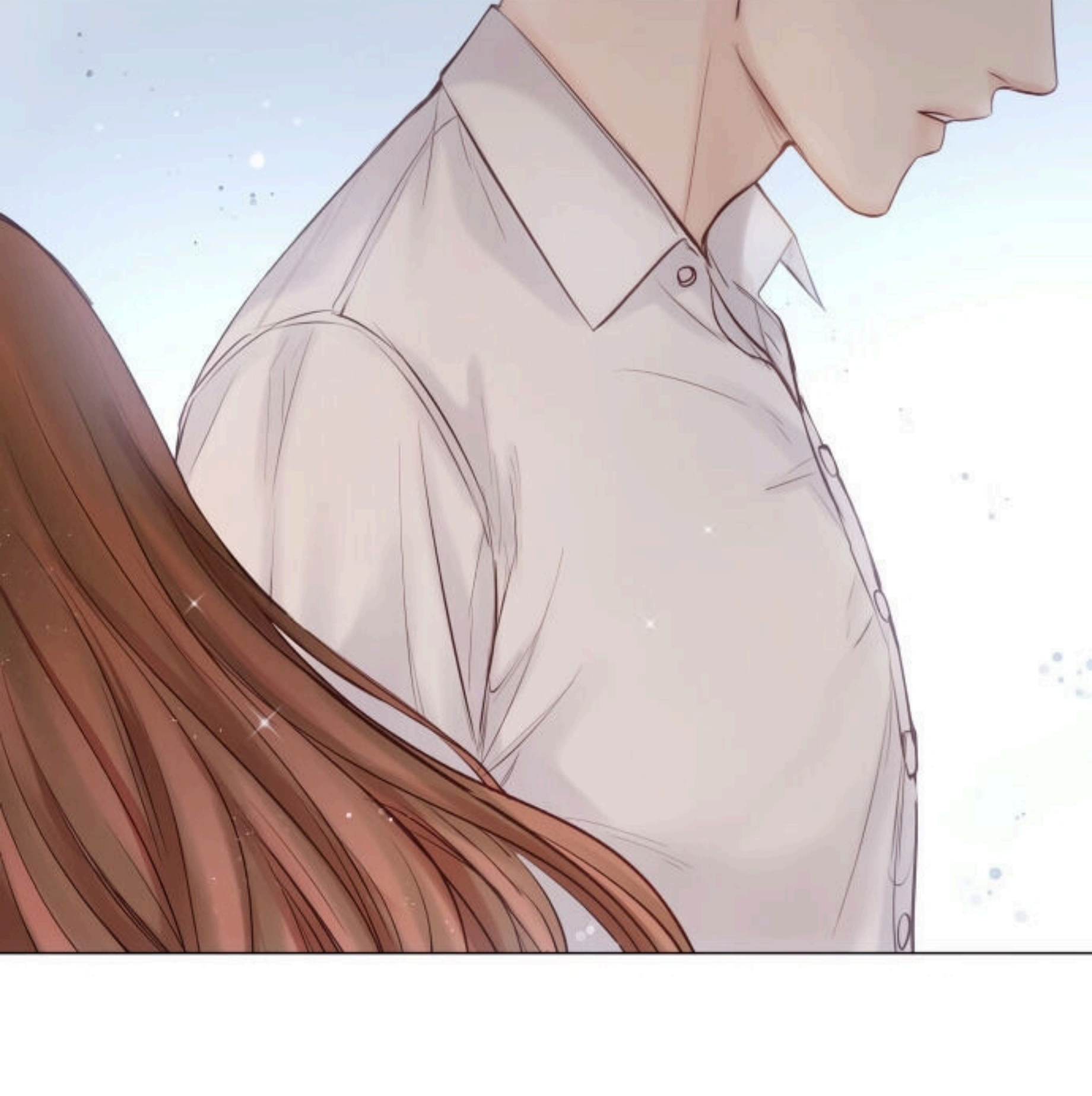
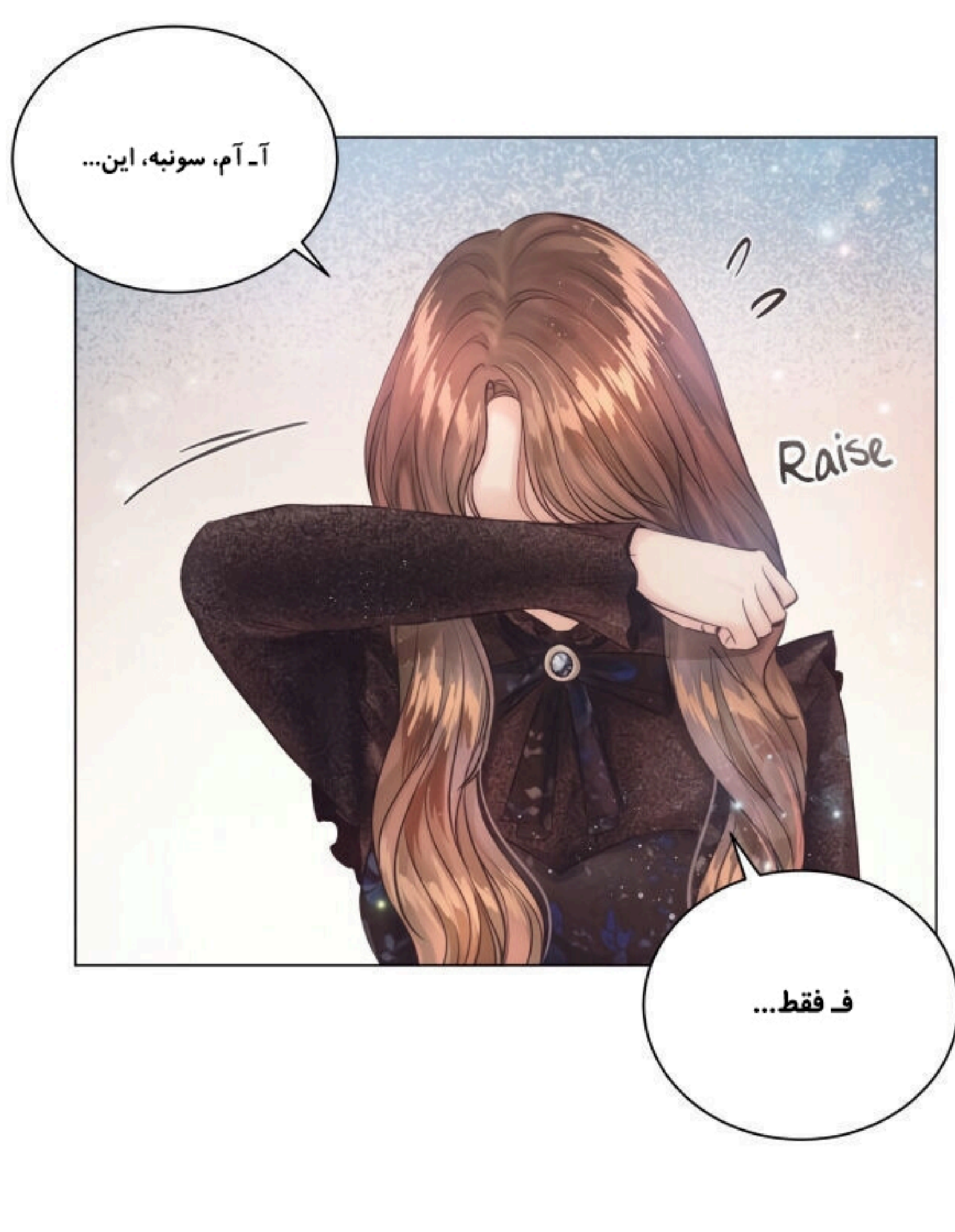
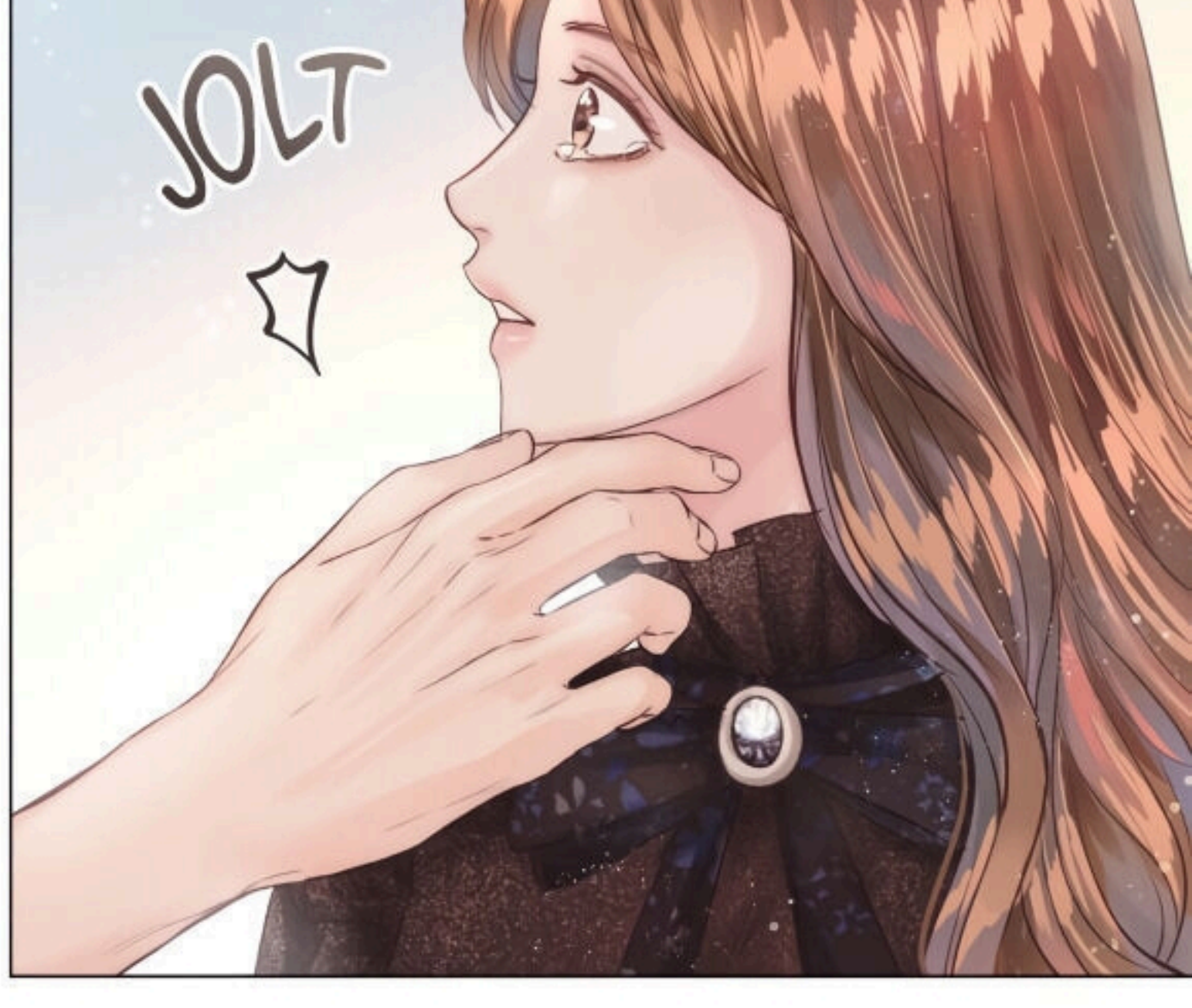














Click



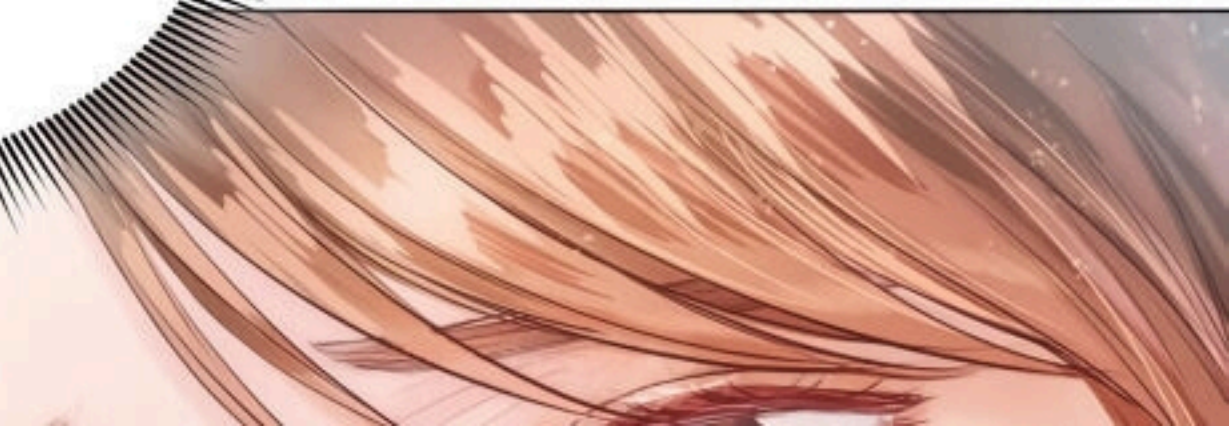
عجب وقت بدی هم اومد!

خدا رو شكر  
كه چيزى نگفت

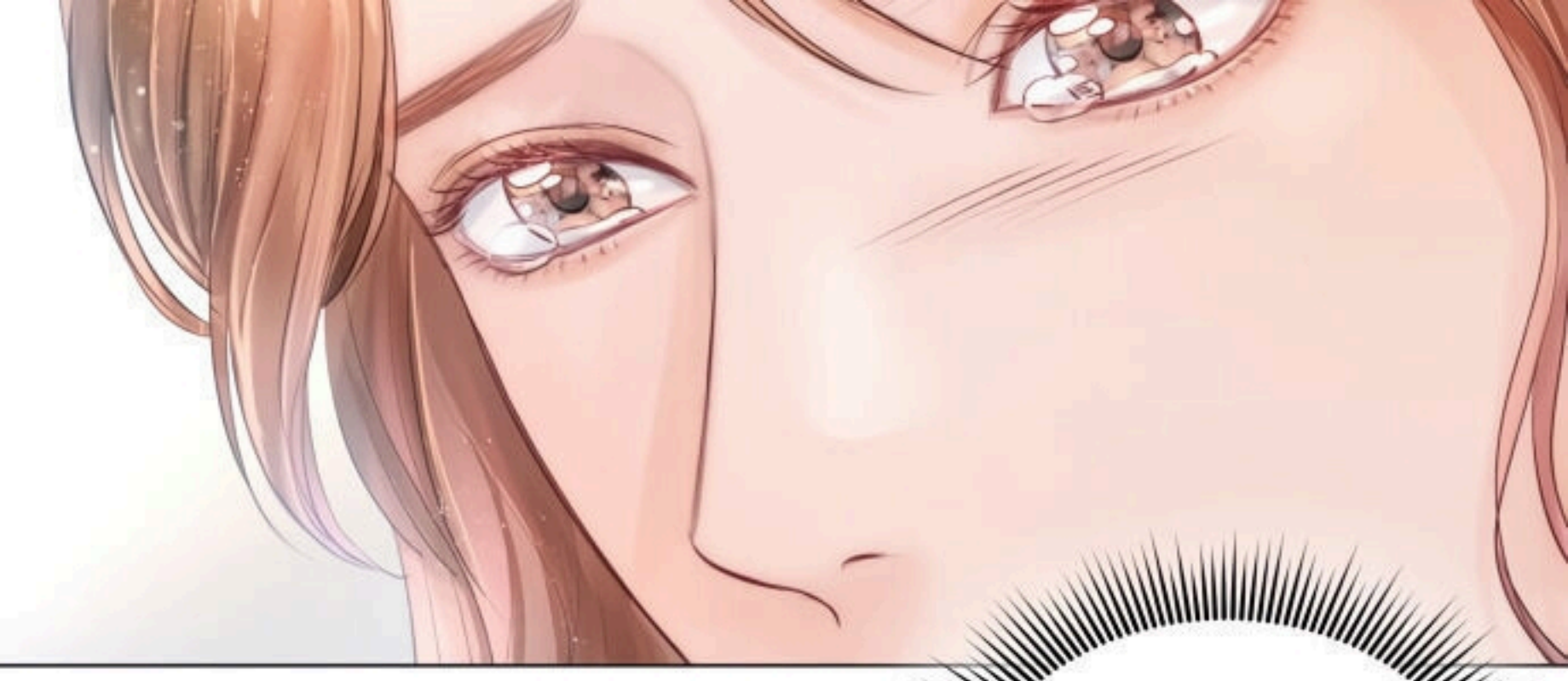
Slump











گفتم که حتی  
یک لحظه هم نبوده که  
با تو شاد باشم...

بعد از اینکه این کلمات  
بهرحانه رو خوند،



متاسفم

روز طلاقمون از  
من معذرت خواست

توی گذشته...



اصلا به بارم تلاش کردم  
که رابطه و ازدواجمون  
رو سرپا نگه دارم؟



چرا بدون هیچ دلیلی فقط اون رو  
مقصر می‌دونم اونم وقتی که من  
حتی به سعی کوچیکم نکردم؟

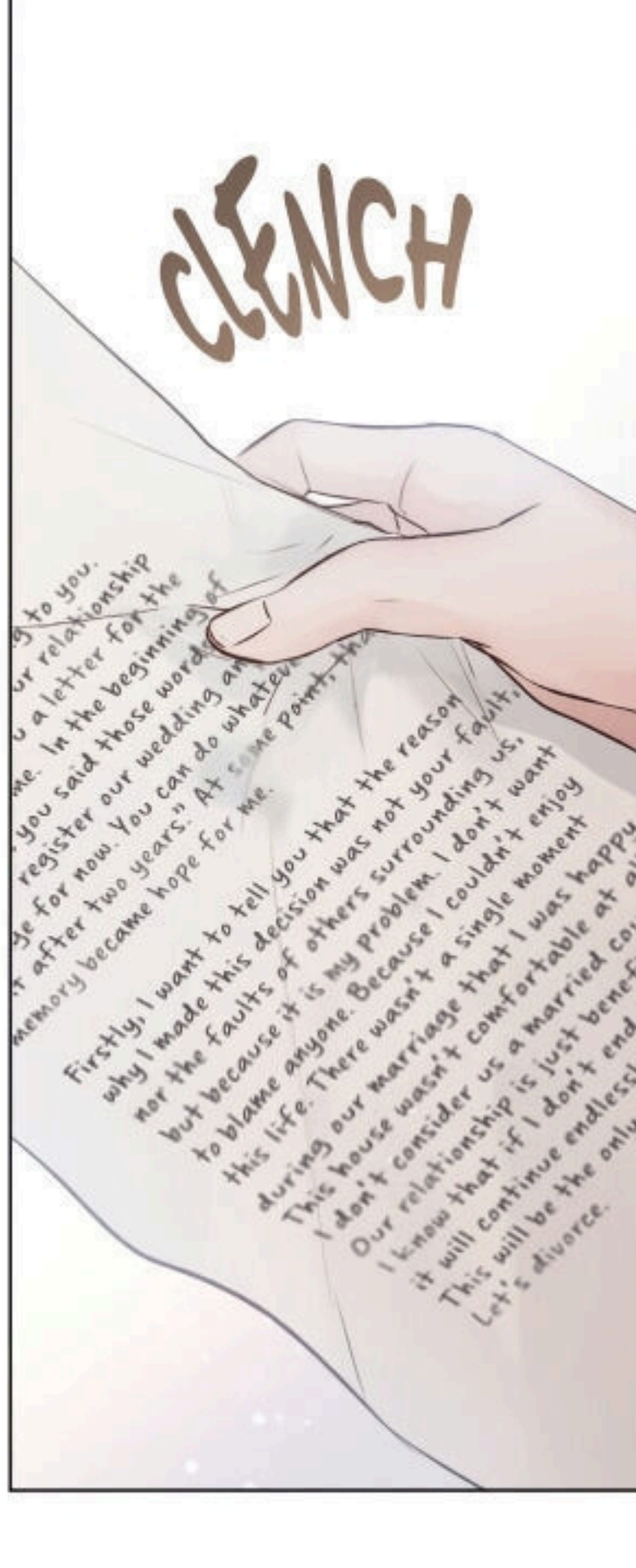
Drip

g to you.  
ur relationship  
u a letter for the  
me. In the beginning of  
you said those words,  
register our wedding and  
ge for now. You can do whatever you  
t after two years." At some point, that  
memory became hope for me.

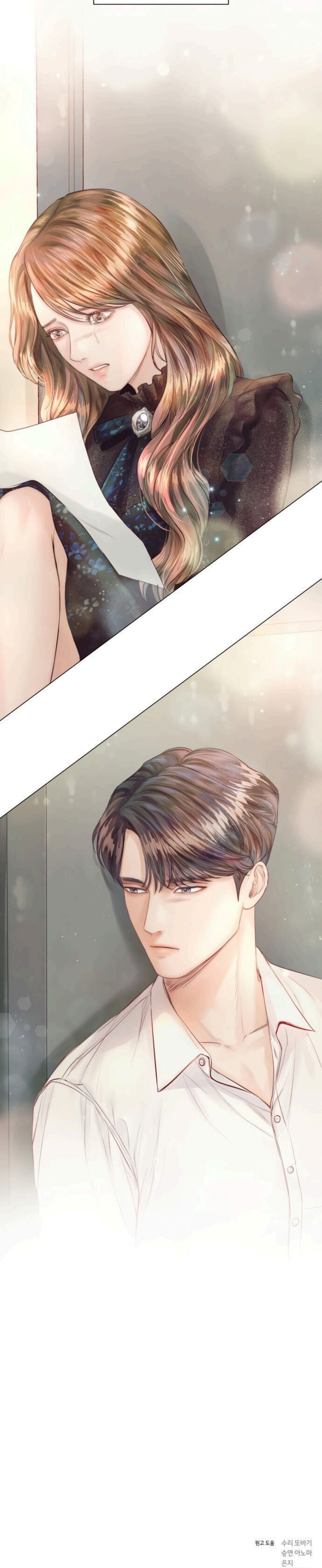
Firstly, I want to tell you that the reason  
why I made this decision was not your fault,  
nor the faults of others surrounding us,  
but because it is my problem. I don't want  
to blame anyone. Because I couldn't enjoy  
this life. There wasn't a single moment  
during our marriage that I was happy.  
This house wasn't comfortable at all.  
I don't consider us a married couple.  
Our relationship is just benefit.  
I know that if I don't end  
it will continue endlessly.  
This will be the only  
Let's divorce.



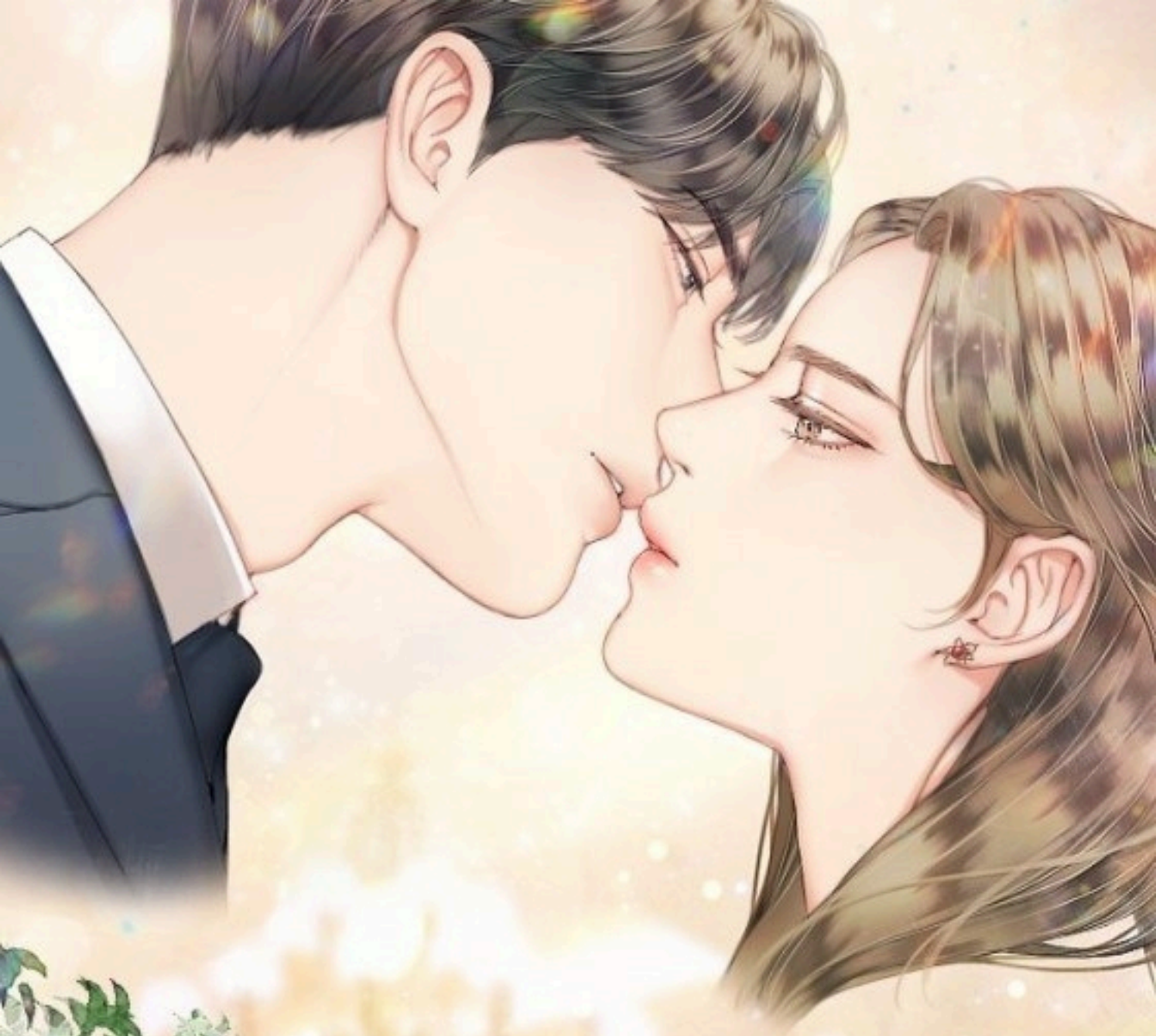
کسی کہ باید معذرت بخواد...



منم، سونبه











جوین شدن  
تو چنل لایک و  
کامنت یادت نره